

تفکر و اندیشه

اندیشه مانند بذری است که : * در ذهن جوانه می زند.

* در دل و قلب ریشه می دواند.

* برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می گردد.

ثمرات اندیشه : (چیست) (۱) بهار جوانی را پر طراوت و زیبا می سازد.

(۲) استعداد ها را شکوفا می کند.

(۳) امید به آینده ای زیبا تر را نوید می دهد.

(۴) می تواند برترین عبادت ها باشد.

پیامبر اکرم (ص) : افضل العباده ادمان التفکر فی الله و فی قدرته

رسول اکرم (ص) فرمودند: برترین عبادات، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.

پیام :

درس اول

هستی بخش

درسنامه

چند پرسش

آیا تاکنون درباره این جهان یعنی آسمان ها ، منظومه ها ، زمین ، دریا ها ، جنگل ها و فکر کرده اید؟

آیا هرگز درباره آغاز و پایان این هستی پهناور فکر کرده اید؟

این میلیارد میلیارد کهکشان و ستاره از کجا آمده اند؟ موجودات جهان هستی خود را وام دار چه کسی هستند؟

نیاز مندی جهان به خدا در پیدایش

هرکدام از ما بر اساس فطرت خویش ، خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم. به روشنی می دانیم در جهانی زندگی می کنیم که آفریننده ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می کند و به موجودات مدد می رساند.

با وجود این شناخت اولیه ، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق تر درباره خدا فرا می خواند و راه های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می دهد.

یکی از این راه ها (برای معرفت عمیق تر در مورد خدا) تفکر درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده است.

این راه متشکل از دو مقدمه و یک نتیجه است.

مقدمه اول :

اگر به خود نظر کنیم ، خود را پدیده ای می یابیم که وجود و هستی مان از خودمان نیست. اشیای پیرامون ما نیز همین گونه اند. کوه ها دریاها، زمین، خورشید و وجودشان از خودشان نیست.

مقدمه دوم :

پدیده ها که وجودشان از خودشان نیست برای موجود شدن نیازمند به پدید آورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد. بلکه وجودش از خودش باشد.

مانند چیزهایی که شیرین نیستند برای شیرین شدن نیازمند چیزی هستند، که خودش شیرین باشد.

ذات نیافته از هستی بخش چون تواند که بود هستی بخش

خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از وی صفت آب دهی

پیام : پدیده ای که هستی خودش وابسته به دیگری است، نمی تواند به دیگران هستی بخشی کند.

نکته

در آفرینش نیز یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست ، که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت ، چنین چیزی دیگر پدیده نیست، او همواره بوده و نیازی به پدید آورنده ندارد.

نتیجه :

با توجه به دو مقدمه بالا می توانیم نتیجه بگیریم که ما و همه پدیده های جهان ، در پدید آمدن و هست شدن خود به آفریننده ای نیاز مندیم که خودش پدیده نباشد. و سرچشمه هستی باشد آن موجود برتر خدا نامیده می شود.

تفکر در متن

با تفکر در متن بالا عبارت های زیر را تکمیل کنید.

..... ما و این جهان

..... موجوداتی که

..... ما و همه پدیده های جهان

نیازمندی جهان به خدا در بقا

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام است شنیده اید این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازمانده از دوره تیموریان است. این مسجد باشکوه ، باقی است ، اما از معمار و بنا و کارگرانی که این مسجد را بنا کرده اند خبری نیست به نظر شما آیا رابطه جهان با خدا نیز مانند رابطه بنا با مسجد است ؟

اگر اندکی دقت کنیم در می یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد انسان نه اجزا را پدید می آورد و نه خواص آنها را.

مسجد گوهرشاد از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و تشکیل شده که هیچ کدام از آنها را بنا به وجود نیآورده است. هر یک از این مصالح نیز **خواصی** دارند که بنا آن را ایجاد نمی کند بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می کند و نه سختی و استحکام سنگ را ، به عبارت دیگر بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را کاری که بنا می کند جابجا کردن مواد و چینش آنها است.

خداوند خالق پدیده ها و هستی بخش آنهاست. خداوند خالق سنگ و گچ و چوب و خواص آنها و حتی خالق خود بناست بر این اساس وجود بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها همه وابسته به خداست و هر لحظه خدا اراده کند آنها از بین می روند و ساختمان متلاشی می گردد.

به همین جهت جهان همواره و در هر آن به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ گاه قطع یا کم نمی شود به عنوان مثال می توان گفت رابطه خداوند با جهان تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می گردد و لامپ های متصل به آن نیز خاموش می شوند

بنابراین مسجد با ساخته شدن از بنا بی نیاز می شود اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز هم چنان مانند لحظه ی نخست که خلق شده اند به خداوند نیازمند هستند از این رو دائماً با زبان حال به پیشگاه الهی عرض نیاز می کنند.

زبان حال موجودات را مولانا این گونه بیان می کند :

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست	ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
ما که باشیم ای تو ما را جان جان	تا که ما باشیم با تو در میان
ما عدم هاییم و هستی های ما	تو وجود مطلق فانی نما
ما همه شیران ولی شیر علم	حمله مان از باد باشد دم به دم

پیام : نیازمندی مخلوقات در پیدایش و بقا در هر لحظه به خداوند

تدبر در قرآن

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

ای مردم شما به خدا نیازمند هستید، خدا ست که بی نیاز و شایسته ستایش است.

.....پیام:

.....

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

هر آنچه در آسمان ها و زمین است، پیوسته از او درخواست می کند. او همواره دست اندرکار امری است.

پیام:

در آیات بالا تدبر کنید و به سوالات زیر پاسخ دهید.

(۱) فکر می کنید چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟

چون همه موجودات برای لحظه لحظه وجود خود محتاج و نیازمند خداوند هستند اگر خداوند لحظه ای آنان را به حال خود واگذارد همه نیست و نابود می شوند.

(۲) نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می شود؟

این نیاز شامل نیاز در پیدایش و نیاز در بقا است.

(۲) چرا خداوند هر لحظه دست اندر کار امری است؟

نیاز دائمی موجودات به خداوند لطف و فیض دائمی او را طلب می کند. خداوند همواره به موجودات لطف نموده و امور هستی را اداره می کند.

آگاهی ، سرچشمه بندگی

انسان های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند توجه اند اما انسان های آگاه دائماً ایه لطف و رحمت خدا را احساس می کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می دانند. هرچه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود ، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می کند.

افزایش خود شناسی درک بیشتر فقر و نیاز افزایش بندگی

برای همین است که پیامبر گرامی ما با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی اجزانه از خداوند می خواهد که برای یک لحظه هم لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود وا نگذارد.

قال رسول الله(ص) : اللهم لا تكلني الى نفسي طرفه عين ابدًا

رسول خدا(ص) می فرماید : خدایا هیچ گاه مرا چشم به هم زدنی به خودم وا مگذار

پیام:

نور هستی

قرآن کریم، رابطه میان خداوند جهان هستی را با کلمه‌ای بیان می‌کند، که در نظر اول رای ما شگفت انگیز می‌نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می‌بریم.

قرآن کریم می‌فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ خداوند نور آسمان ها و زمین است.

پیام:

مخلوقات در پیدایش و در بقا نیازمند به خدا هستند. مانند اشیاء که برای پیدا شدن نیاز به نور دارند.

مخلوقات عالم در حد خود تجلی بخش صفات خداوند هستند. انسان می تواند با دیدن آنها صفات خدا را مشاهده کند.

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم می‌دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می‌شوند. یعنی منشا مادی دارند.

پس، نور بودن خدا به چه معناست؟ نور آن چیزی است که

الف) خودش پیدا و آشکار است.

ب) سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود.

خداوند نور هستی است یعنی

الف) تمام موجودات وجود خود را از او می‌گیرند.

ب) به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند.

پ) وجودشان به وجود او وابسته است.

به همین جهت، هر چیزی در این جهان بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود. در واقع هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت قدرت رحمت و سایر صفات الهی است. از همین رو آنان که با دقت و اندیشه در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند. علم و قدرت او را می‌بینند.

دلی کز معرفت نور و صفا دید به هر چیزی که دید اول خدا دید

و به تعبیر باباطاهر

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم

به هرجا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم

پیام :

قال علی(ع) : ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله و بعده و معه

امام علی(ع) می فرماید : هیچ چیزی را ندیدم، مگر این که خداوند را قبل و بعد و با آن دیدم.

پیام :

اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به نظر می آید. اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان زیرا پاکی و صفای قلب دارند اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

ناتوانی در شناخت ذات و چیستی خداوند

اکنون ممکن است برای شما این سوال پیش آید: آیا می توان به ذات خداوند پی برد؟ و چیستی او را مشخص کرد؟

در پاسخ می گوئیم: موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم دو دسته اند

الف) موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوان ها ، ستارگان ، حتی کهکشان های بسیار دور هم ممکن است روزی شناسایی شوند و انسان بتواند به ماهیت و ذات آنها دست پیدا کند. در حقیقت ذهن ما توان و فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد. زیرا همه آنها اموری محدود هستند.

ب) موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد.

زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. در واقع ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد در نتیجه ذهن ما می تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را بشناسد.

از همین رو پیامبر اکرم (ص) فرموده اند:

تفکروا فی کل شیء و لا تفکروا فی ذات الله

در همه چیز تفکر کنید، ولی در ذات خداوند تفکر نکنید.

پیام:

سوالات درس اول

(۱) برترین عبادت ها چیست؟

(۲) منظور از خداشناسی فطری چیست؟

(۳) قرآن کریم درباره معرفت خدا، از ما چه می خواهد؟ یکی از راه های معرفت خدا را نام ببرید.

(۴) پدیده را تعریف کنید.

(۵) پدیده ها برای موجود شدن نیازمند چه چیزی هستند؟

(۶) در آفرینش، یک موجود در چه صورتی برای ایجاد شدن نیازمند به دیگری نیست؟ مثالی بزنید.

(۷) ابیات زیر بیانگر چه موضوعی هستند؟

ذات نیافته از هستی،	بخش	چون تواند که بود هستی بخش
خشک ابری که بود ز آب تهی		ناید از وی صفت آب دهی

(۸) نیازمندی جهان به خدا در پیدایش را با ذکر دو مقدمه و یک نتیجه بنویسید.

۹) با مقایسه رابطه خدا با جهان و بنا با ساختمان، دو تفاوت این دو رابطه را بنویسید.

۱۰) رابطه خدا با جهان، تا حدودی شبیه به چه رابطه ای است؟

۱۱) ابیات زیر به چه موضوعی اشاره دارد؟

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست	ما چوکوهیم و صدا در ما ز توست
ما که باشیم ای تو ما را جان جان	تا که ما باشیم با تو در میان
ما عدم هاییم و هستی های ما	تو وجود مطلق، فانی نما
ما همه شیران ولی شیر علم	حمله مان از باد باشد دم به دم

۱۲) چرا موجودات جهان پیوسته از خدا درخواست می کنند؟

۱۳) نیاز انسان به خدا، شامل چه چیزی هایی می شود؟

۱۴) منظور از اینکه خداوند هر لحظه دست اندرکار امری است، چیست؟

۱۵) چگونه افزایش خودشناسی سبب افزایش بندگی می شود؟

۱۶) منظور از اینکه قرآن خداوند را نور هستی معرفی می کند، یعنی چه؟

۱۷) ابیات زیر بیانگر چه حقیقتی است؟

دلی کز معرفت نور و صفا دید	به هر چیزی که دید، اول خدا دید
به صحرا بنگرم صحرا تو بینم	به دریا بنگرم دریا تو بینم
به هر جا بنگرم کوه و در و دشت	نشان از قامت رعنا تو بینم

۱۸) منظور امام علی(ع) از اینکه می فرماید: قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم، چیست؟

۱۹) اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند نیازمند چه چیزی است؟

۲۰) چرا کسب معرفت عمیق و والا برای نوجوانان و جوانان قابل دسترس است؟

۲۱) آیا می توان به ذات و چیستی خداوند پی برد؟ توضیح دهید.

۲۲) چرا پیامبر اکرم(ص) فرمودند: در ذات خداوند فکر نکنید؟

درس دوم

یگانه بی همتا

درسنامه

امام علی (ع) :

« خدای من، مرا این عزت بس که، بنده تو باشم و این افتخار بس که، تو پروردگار منی ، خدای من ، تو همان گونه ای که من دوست دارم ، پس مرا همان گونه قرار ده که تو دوست داری. »

پیام: عبارت تو پروردگار منی ، اشاره دارد به توحید در ربوبیت.

براساس این حدیث ، توحید در ربوبیت بالاترین مقام و افتخار است.

راه کسب عزت نفس ، اعتقاد و ایمان به توحید در ربوبیت است.

مهمترین اعتقاد دینی توحید و یکتاپرستی است.

اسلام دین توحید و قرآن کتاب توحید است.

در اسلام بدون اعتقاد به توحید هیچ اعتقاد دیگری اعتبار ندارد.

توحید سرلوحه دعوت همه پیامبران بوده است.

خداوند در قرآن کریم اخلاق احکام و همه اعمال فردی و اجتماعی مومنان را بر مدار توحید قرار داده است. توحید مانند روحی در پیکره معارف و احکام دین حضور دارد و به آن حیات و معنا می‌بخشد.

توحید و برخی مراتب آن

توحید به معنای اعتقاد به خدای یگانه است. یعنی خدا بی‌همتاست و شریکی ندارد. و این بیانگر اصل و حقیقت توحید است.

رسول خدا از همان آغاز رسالت خود از مشرکان می‌خواست با گفتن جمله **لا اله الا الله** دست از شرک برداشته و به خدای یگانه ایمان آورند.

با گفتن این عبارت

(الف) تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می‌شود.

(ب) دفاع از حقوق او بر دیگر مسلمانان واجب می‌گردد.

(پ) در زمره برادران و خواهران دینی قرار می‌گیرد.

بنابراین ، این جمله (لا اله الا الله) فقط یک شعار نیست بلکه پابندی به آن ، همه زندگی فرد مسلمان را در رابطه با خدا ، خویشتن، خانواده ، اجتماع و دیگر مخلوقات تغییر می‌دهد.

توحید و یگانگی خداوند مراتبی دارد برخی از این مراتب عبارتند از

توحید در خالقیت :

یعنی اینکه معتقد باشیم خداوند تنها مبدا و خالق جهان است. و موجودات همه مخلوق او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد.

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ خداوند آفریننده هر چیزی است.

پیام:

توحید در مالکیت :

از آنجا که خداوند تنها خالق جهان است پس تنها مالک آن نیز هست. زیرا هر کس که چیزی را پدید می‌آورد

مالک آن است.

نکته: توحید در خالقیت علت توحید در مالکیت است.

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ هَر آنچه در آسمان ها و زمین است ، برای خداست.

پیام:

توحید در ولایت :

هر کس که مالک چیزی باشد حق تصرف و تغییر در آن چیز را دارد. اما دیگران بدون اجازه و نمی‌توانند در آن تصرف کنند و یا از آن استفاده نمایند. به این حق تصرف ولایت و سرپرستی می‌گویند.

نکته:

الف) از آنجا که خداوند تنها مالک جهان است تنها ولی و سرپرست جهان نیز هست و جز به اذن و اجازه او نمی‌توان در جهان تصرف کرد. چنین اذنی به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگران نیست ، بلکه بدین معناست که خداوند آن شخص را در مسیر و مجرای ولایت خود قرار داده است.

ب) اگر خداوند پیامبر اکرم (ص) را ولی انسان‌ها معرفی می‌کند، بدین معناست که ایشان را واسطه ولایت خود و رساننده فرمان‌هایش قرار داده است.

پ) توحید در مالکیت علت توحید در ولایت است.

مَا لَهُمْ مِّن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

آن ها هیچ ولی و سرپرستی جز او ندارند، و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی‌سازد.

پیام:

توحید در ربوبیت :

رب به معنای مالک و صاحب اختیاری است که تدبیر و پرورش مخلوق به دست اوست. هر کس که خالق و مالک و ولی چیزی باشد می‌تواند آن را تدبیر کرده و پرورش دهد. از آنجا که خداوند تنها خالق مالک و ولی جهان است نه‌ا رب هستی نیز می‌باشد اوست که جهان را اداره می‌کند و آن را به سوی مقصدی که برایش معین کرده هدایت می‌کند.

نکته: توحید در ربوبیت معلول توحید در خالقیت، مالکیت، و ولایت است.

قُلْ أَغَيْرُ اللَّهِ أَبْغَىٰ رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ

بگو، آیا جز خدا پروردگار دیگری را بطلبم، در حالی که او پروردگار همه چیز است.

پیام :

توجه. باید به این نکته توجه داشت که توحید در ربوبیت بدان معنا نیست که موجودات به خصوص انسان نقشی در پرورش و تدبیر سایر مخلوقات ندارند مثلاً باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند رشد این درختان نتیجه تدبیر اوست. بلکه توحید در ربوبیت ، بدین معناست ، که این باغبان و تدبیرش همه از آن خدا و تدبیر او هستند.

توجه کنیم که کشاورز را وقتی با دیگران یعنی کسانی که در کشت زمین او دخالتی نداشته اند مقایسه می‌کنیم ، می‌بینیم که این کشت حاصل دسترنج اوست. اما وقتی رابطه کشاورز را با خدا بررسی می‌کنیم متوجه می‌شویم که هم کشاورز و هم نیرو و توانش از آن خداست و کشت و زرع او بر اساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده رشد کرده و محصول داده است. در نتیجه در می‌یابیم که زارع حقیقی و پرورش دهنده اصلی خداوند است و باید شکرگزار او باشیم.

شرک و مراتب آن

شرک به معنای شریک قرار دادن برای خداست. هر کس که معتقد باشد خداوند شریک دارد ، مشرک به حساب می‌آید.

شرک نیز مانند توحید مراتبی دارد که عبارتند از:

شرک در خالقیت :

اگر کسی معتقد باشد که این جهان را چند خالق آفریده ، گرفتار شرک در خالقیت شده است.

سوال مهم چرا خداوند در آفرینش جهان شریکی ندارد؟

این تصور که چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان هستند ، به معنای آن است که هر کدام از آنها محدود و ناقص هستند. به تنهایی نمی‌توانستند کل جهان را خلق کنند. همچنین به معنای آن است که هر یک از خدایان کمالاتی دارند که دیگری آن کمالات را ندارد. وگرنه عین هم دیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند. چنین خدایان ناقصی ، خود نیازمند هستند هر یک از آنها به خالق کامل و بی‌نیازی احتیاج دارد که نیازش را برطرف کند پس تصور چند خدایی صحیح نیست و خدای واحد آفریننده جهان است.

شرک در مالکیت :

اعتقاد به اینکه علاوه بر خدا و در کنار او دیگران نیز مالک بخشی از جهان هستند.
اگر کسی معتقد به شرک در خالقیت باشد ، معتقد به شرک در مالکیت نیز خواهد بود.

شرک در ولایت :

عبارت است از اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او دیگران نیز هستند که سرپرستی جهان را بر عهده دارند و خودشان حق تصرف در جهان را دارا می باشند.

شرک در ربوبیت :

اعتقاد به اینکه ، علاوه بر خداوند و در کنار او ، دیگرانی نیز هستند که تدبیر امور موجودات را بر عهده دارند.
اگر کسی در کنار ربوبیت الهی برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه ای باز کند و گمان کند که کسی می تواند مستقل از خداوند امور را تدبیر کند گرفتار شرک در ربوبیت شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

به نام خداوند بخشنده و مهربان

بگو او خدای یکتا است * آن خدایی که بی نیاز است * نه فرزندی دارد و نه زائیده شده است * و نه هیچ کس همتا و اند اوست.

پیام :

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَخَذْتُمْ مِّنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

بگو پروردگار آسمانها و زمین کیست؟ بگو: خداست، بگو: غیر از او سرپرستانی برای خود بر گرفتید در صورتی که آنها بر سود و زیان خود هم قادر نیستند؟ آن گاه بگو: آیا چشم نابینا و دیده بینا یکسان است؟ یا ظلمات با نور مساوی است؟ آیا این مشرکان شریکانی برای خدا قرار داده اند که آنها هم مانند خدا چیزی خلق کرده اند و بر

مشركان، خلق خدا و خلق شريكان خدا مشتبه گردیده است؟ (هرگز چنین نیست) بگو: تنها خدا خالق هر چیز است و او خدای یکتایی است که همه عالم مقهور اراده اوست.

.....پیام:

.....

با توجه به آیات بالا عبارات زیر را کامل کنید:

- ۱) کسی را می توانیم به عنوان رب خود انتخاب کنیم که
- ۲) کسی که اختیار سود و زیان نمی تواند
- ۳) مراتب توحید یا شرک را در آیات بالا مشخص کنید.....

طرح چند سوال

مرز توحید و شرک کجاست؟ آیا اگر کسی پزشک را وسیله درمان و بهبود بیماری بداند مشرک است؟ آیا اگر کسی از غیر خدا درخواست کمک کند گرفتار شرک شده است؟ بالاخره آیا توسل به پیامبران و معصومین شرک به حساب می آید؟

در پاسخ به سوال های فوق می گوئیم

اولاً خداوند رابطه علیت را میان پدیده های جهان حاکم کرده است. آتش موجب گرما و روشنی و دارو سبب شفا و بهبودی است. پزشک وسیله درمان ، معمار عامل بنای ساختمان و معلم نیز وسیله تعلیم و تربیت است. در امور معنوی نیز همین گونه است دعا سبب مغفرت و آمرزش صدقه موجب دفع بلا و صلّه رحم موجب افزایش طول عمر است.

همه این روابط توسط خود خداوند طراحی شده است و به اذن و اراده او صورت می گیرد. بنابراین اگر کسی برای آموختن نزد معلم برود یا برای درمان به پزشک مراجعه می کند ، نه تنها برای خداوند شریک قرار نداده بلکه به قانون الهی عمل کرده است.

ثانیا همان گونه که درخواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید منافاتی ندارد ، درخواست از اولیای الهی برای اجابت خواسته ها نیز منافاتی با توحید ندارد. زیرا پزشک به واسطه استفاده از اسباب مادی و اولیای الهی به واسطه اسباب غیر مادی و با اذن خدا این کار را انجام می دهند.

نکته مهم

الف) عقیده به توانایی پیامبر اکرم (ص) و اولیای دین در برآوردن حاجات انسان وقتی موجب شرک است ، که این توانایی را از خود آنها و مستقل از خدا بدانیم ، را اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیا از خداوند و به اذن خدا بدانیم عین توحید است. مانند اثر شفاعت داری که خداوند به آن بخشیده است.

ب) این توانایی به زمان حیات دنیوی پیامبر اکرم (ص) اختصاص ندارد و پس از رحلت ایشان نیز استمرار دارد. زیرا روح مطهر ایشان زنده است و می تواند به انسان ها یاری برساند. اکنون اگر ما از رسول خدا (ص) چیزی درخواست می کنیم ، درخواست از جسم ایشان نیست ، بلکه از حقیقت روحانی و معنوی ایشان است. آیا اگر کسی از پدر و مادرش و یا هر مومنی بخواهد که برای سعادت مندی او دعا کند ، چنین درخواستی شرک آلود است؟

تفکر غلط تکفیری ها

هیچ گروهی از مسلمانان ، غیر از جریانی که امروزه به تکفیری ها معروف شده اند چنین درخواستی را شرک آلود نمی دانند. جریان تکفیری ها در سال های اخیر برخی از جوامع و کشورهای اسلامی را گرفتار خود کرده است. به طوری که پیروان این جریان فکری خشک و غیر عقلانی با تفکر غلطی که درباره توحید و شرک دارند ، هر مسلمانی را که مانند آنها نمی اندیشند ، مشرک و کافر می خوانند و گاه کشتن او را واجب می شمارند.

پیروان این جریان می گویند توسل به پیامبران و معصومین شرک است ، طلب دعا و شفیع قرار دادن دیگران برای اینکه خدا انسان را ببخشد شرک است. همچنین معتقدند این گونه افراد کافر هستند و مسلمان محسوب نمی شوند متأسفانه این جریان بزرگ بزرگترین ضربه را بر اسلام وارد کرد و سبب تنفر برخی از مردم جهان از دین اسلام شد

سوالات درس دوم

۱) مهم ترین اعتقاد دینی کدام است؟

۲) اهمیت توحید را در اسلام بنویسید.

۳) سرلوحه دعوت پیامبران چه بوده است؟

۴) توحید را تعریف کنید.

۵) گفتن کلمه لا اله الا الله چه بار حقوقی به همراه دارد؟

۶) مراتب توحید را نام ببرید.

۷) توحید در خالقیت را تعریف کنید.

۸) توحید در مالکیت را تعریف کنید.

۹) توحید در ولایت به چه معنایی است؟

۱۰) حق تصرف در هر چیزی در اختیار چه کسی است؟ به آن چه می گویند؟

۱۱) اجازه خداوند به کسی، برای تصرف در جهان به چه معنایی است؟

۱۲) معرفی پیامبر اکرم(ص) به عنوان ولی انسان ها از طرف خدا، به چه معنایی است؟

۱۳) توحید در ربوبیت را تعریف کنید.

۱۴) آیا ربوبیت خدا به این معناست که موجودات به خصوص انسان نقشی در پرورش سایر مخلوقات ندارد؟ توضیح دهید.

۱۵)

۱۶) شرک به چه معنایی است؟ مراتب آن را نام ببرید.

۱۷) شرک در خالقیت به چه معنایی است؟

۱۸) چرا خداوند در آفرینش جهان شریکی ندارد؟

۱۹) شرک در مالکیت را تعریف کنید.

۲۰) شرک در ولایت به چه معنایی است؟

۲۱) شرک در ربوبیت یعنی چه؟

۲۲) آیا اگر کسی از غیر خدا درخواست کمک کند گرفتار شرک شده است؟ آیا توسل به پیامبر و یا درخواست دعا و یا پرداخت صدقه برای دفع بلا شرک است؟ چرا؟

۲۳) اعتقاد به توانایی پیامبر اکرم(ص) و اولیای دین در برآوردن حاجات انسان، چه هنگامی شرک محسوب می شود؟

۲۴) آیا درخواست دعا از پیامبر منحصر به زمان حیات ایشان است؟ چرا؟

۲۵) جریان تکفیری ها چه برداشتی از توحید و شرک دارند؟

۲۶) باور به توحید در خالقیت، مالکیت، ولایت و ربوبیت چه تاثیری در زندگی ما دارد؟

درس سوم

توحید و سبک زندگی

درسنامه

بر آستان جانان گر سر توان نهادن گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد

پیام :

منظور از سر نهادن بر آستان جانان، سجده کردن است که بیانگر توحید عملی است.

توحید عملی ، سبب افتخار حقیقی انسان می شود.

امروزه در بازار سبک زندگی ، سبک‌های گوناگونی از زیستن تبلیغ می‌شود که ما باید از میان آنها بهترین را انتخاب کنیم.

انتخاب هر سبک زندگی

الف) مسیر زندگی ما را تغییر می‌دهد

ب) سرنوشت دنیا و آخرت ما را رقم می‌زند

برای انتخاب یک سبک زندگی باید به دو نکته مهم توجه کرد:

۱) بر اساس فکر و به دور از احساسات باشد.

۲) دلیلی محکم و عقل پسند از آن حمایت کند.

باید بدانیم که هر سبکی از زندگی ریشه در اندیشه‌های خاصی دارد. و از جهان بینی ویژه‌ای سرچشمه می‌گیرد.

شناخت آن ریشه‌ها به تصمیم گیری درست ما کمک فراوان می‌کند.

زندگی توحیدی نیز شیوه‌ای از زندگی است که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد.

در این درس می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که

ایمان به خداوند به عنوان خالق و پروردگار جهان، چه سبکی از زندگی را به دنبال می‌آورد؟ و در مقابل آن کدام سبک از زندگی قرار می‌گیرد؟

در پایه دهم این اصل کلی را آموختیم که افکار و اعتقادات هر فرد مهم‌ترین عامل در تعیین هدف و رفتارهای اوست. مثلاً اگر کسی ایمان پیدا کرد که سعادت بشر در کسب ثروت است و انسان فقط با لذات مادی خوشبخت می‌شود، به طور طبیعی زندگی خود را صرف رسیدن به این هدف می‌کند. یا اگر کسی اعتقاد پیدا کرد که علم و دانش بزرگترین کمال انسان است و هیچ چیز دیگری با آن قابل مقایسه نیست، عمر خود را به کسب علم و دانش خواهد گذراند.

پس هر فردی متناسب با اعتقادات خویش مسیر زندگی خود را انتخاب و بر همان اساس رفتار خواهد کرد.

بازتاب توحید در زندگی

با توجه به نکات بالا می‌توانیم بگوییم، انسانی که خداوند را به عنوان خالق جهان پذیرفته است و ایمان دارد که او پروردگار هستی است، رفتاری متناسب با این اعتقاد خواهد داشت و جهت زندگی خود را خدا قرار خواهد داد. چنین انسانی در مسیر توحید عملی رفتار می‌کند

به طور مثال جعفر بن ابی طالب در حضور نجاشی پادشاه حبشه این تغییر وضعیت را این گونه توصیف کرد. ما قبلاً قومی جاهل بودیم، بت می‌پرستیدیم، مرتکب زشتی‌ها می‌شدیم تا اینکه خداوند از میان ما پیامبری مبعوث کرد. خانواده‌اش را می‌شناسیم و به صداقت و امانت داری و عفتش ایمان داریم، پیامبر، ما را به خدا فراخواند که او را یگانه بدانیم و عبادت کنیم، چیزی را شریک او قرار ندهیم، از خوردن مال یتیم و فحشا و منکر و دروغ دوری کرده و نماز را برپا داشته و روزه بگیریم، ما نیز او را تصدیق کرده و به او ایمان آورده و از او پیروی کردیم.

نکته مهم توحید در عقیده منجر به توحید در عمل خواهد شد.

میزان تاثیرگذاری عقیده بر عمل

البته از آنجا که ایمان همه افراد یکسان نیست و دارای شدت و ضعف است میزان تاثیرگذاری این اعتقاد بستگی به درجه ایمان افراد به توحید و یکتاپرستی دارد. هر قدر ایمان قوی تر باشد تاثیر عملی آن در زندگی بیشتر و هرچه ایمان ضعیف‌تر باشد تاثیر آن کمتر خواهد بود. با این معیار هر کس می‌تواند درجه ایمان خود و تاثیر آن رادر زندگی خویش بررسی کند.

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شما است. پس او را پرستش کنید که این راه درست است.

پیام :

با تدبر در آیات آیه فوق به سوالات زیر پاسخ دهید:

..... (۱) چرا تنها خداوند را باید عبادت کرد؟

..... (۲) چرا خداوند بندگی خود را راه راست و درست زندگی بیان کرده است؟

ابعاد توحید عملی

توحید عملی دارای دو بعد فردی و اجتماعی است.

الف) بعد فردی توحید عملی و ثمرات آن

هر کس که در زندگی خود از فرمان‌های خدا اطاعت کند گام در مسیر توحید عملی گذاشته است.

ویژگی‌های انسان موحد و مومن در زندگی فردی

* این فرد می‌کوشد تمایلات درونی تصمیم‌ها و فعالیت‌های خود را در جهت خواست و رضایت الهی قرار دهد. به طور مثال در انتخاب همسر، شغل، دوست، تفریح، ورزش و حتی در انتخاب نوع پوشش و به طور کلی در تمام برنامه‌های روزانه خود، خدا را در نظر گرفته و تلاش می‌کند از دایره فرمان‌های او خارج نشود.

* از نظر انسان موحد، هیچ حادثه‌ای در عالم بی‌حکمت نیست گرچه خودش حکمت آن را نداند. از همین رو یک موحد انسانی امیدوار است.

* او در مقابل سختی‌ها و مشکلات صبور و استوار بوده آنها را زمینه موفقیت‌های آینده خویش قرار می‌دهد.

* باور دارد که دشواری‌های زندگی نشانه بی‌مهری خداوند نیست، بلکه بستری برای رشد و شکوفایی اوست.

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست که هرچه بر سر ما می‌رود ارادت اوست

نظیر دوست ندیدم اگرچه از مه و مهر نهادم آینه‌ها در مقابل رخ دوست

..... پیام :

* انسان موحد چون زندگی خود را بر اساس رضایت خداوند تنظیم کرده و پیرو فرمان‌های اوست، (علت) شخصیتی ثابت و پایدار دارد و برخوردار از آرامش روحی است. (معلول)

* او موجودات جهان را مخلوق خدا می‌بیند، می‌داند که خداوند او را در برابرشان مسئول قرار داده است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

« تقوای الهی پیشه کنید ، هم در مورد بندگان خدا هم در مورد شهرها و آبادی‌ها ، زیرا که شما در برابر همه این‌ها ، حتی سرزمین‌ها و چهارپایان مسئولیت دارید. خدا را اطاعت کنید و از عصیان او بپرهیزید. »

پیام :

نقطه مقابل توحید شرک است. اگر کسی خدا را اطاعت نکند ، به فرمان نفس و یا طاغوت عمل نموده است.

شرک عملی در بعد فردی

اگر کسی دل به هوای نفس (بت درون) سپرده و او را معبود خود قرار دهد و فرمان‌هایش را بر فرمان‌های خداوند ترجیح دهد یا در پی کسب رضایت قدرت‌های مادی و طاغوت‌های بیرون برآید ، چنین شخصی گرفتار شرک عملی شده است.

ویژگی انسان مشرک

تسلیم بودن در برابر امیال نفسانی و فرمان‌پذیری از طاغوت باعث می‌شود شخص درونی ناآرام و شخصیتی ناپایدار داشته باشد (چرا)

زیرا از یک سو ، هوای نفس وی ، هر روز خواسته جدید جلوی روی او قرار می‌دهد و از سوی دیگر ، قدرت‌های مادی که هر روز رنگ عوض می‌کنند او را به بردگی جدیدی می‌کشانند.

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَمْ آتَتْ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا

آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را معبود خود گرفت، آیا تو ضامن او می‌باشی

پیام :

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

و از مردم کس هست که خدا را به زبان و به ظاهر می‌پرستد (نه از باطن و حقیقت) از این رو هر گاه خیر و نعمتی به او رسد اطمینان خاطر پیدا کند و اگر آزمونی (از شر و فقر و آفتی) به او رسد (از دین خدا)

رو بگرداند. چنین کس در دنیا و آخرت زیانکار است و این (نفاق و دورویی) زبانی است که بر همه کس آشکار است.

پیام :

تدبر: با توجه به آیات به سوال‌های طرح شده پاسخ دهید:

(۱) پرستشی که از روی ایمان باشد با پرستشی که از روی تردید باشد چه تفاوتی دارد؟

.....

(۲) چرا برخی انسان‌ها در برابر هر خیر و شری که به آنها می‌رسد دو روش متفاوت پیش می‌گیرند؟

.....

.....

بعد اجتماعی توحید عملی و ثمرات آن

بعد اجتماعی توحید ، به معنای قرار گرفتن همه ارکان یک جامعه در جهت خداوند و اطاعت همه جانبه از اوست.

مهم‌ترین رکن یک جامعه حکومت است که حاکم آن بر اساس قوانین الهی به حکومت رسیده باشد و شرایطی را که خداوند برای حاکم تعیین کرده است ، دارا باشد و بکوشد قوانین الهی را در جامعه به اجرا درآورد.

یک جامعه علاوه بر رکن سیاسی دارای ارکان دیگری مانند اقتصاد و فرهنگ نیز هست.

جامعه‌ای که در مسیر توحید اجتماعی حرکت می‌کند ، اقتصاد و فرهنگ و سایر ارکان آن نیز سوی اجرای فرمان‌های خدای یگانه پیش می‌رود و به صورت جامعه‌ای عدالت گستر در می‌آید.

جامعه توحیدی حکومت کسانی را که خداوند به آنها حق حکومت نداده است را نمی‌پذیرد.

با آنان که نسبت به خداوند و مسلمانان دشمنی می‌ورزند ، دوستی نمی‌کند.

با ظالمان مبارزه می‌کند.

بنا به فرمان خداوند از محرومان و مستضعفان حمایت می‌کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ

ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید، هرگز نباید کافران را که دشمن من و شما هستند یاران خود برگرفته و طرح دوستی با آنها افکنید در صورتی که آنان به کتابی که بر شما آمد یعنی قرآن حق سخت کافر شدند.

پیام :

ارتباط دوسویه توحید فردی و اجتماعی

میان بعد فردی و بعد اجتماعی توحید رابطه متقابل وجود دارد. هر قدر که مردم یک جامعه به سوی توحید حرکت کنند ارکان جامعه نیز بیشتر رنگ توحیدی به خود می‌گیرد. همانطور که هر قدر نهادهای اجتماعی در خدمت اجرای قوانین الهی باشد، زمینه برای رشد انسان‌ها و حرکت به سوی خداوند و زندگی موحدانه آسان می‌گردد.

از این رو اگر قرار باشد همه فقط خواسته‌ها و تمایلات دنیوی خود را دنبال کنند و تنها منافع خود را محور فعالیت‌های اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون به دیگران نباشند.

* تفرقه و تضاد جامعه را فرا می‌گیرد.

* امکان رشد و تعالی از بین می‌رود.

* چنین جامعه‌ای روز به روز انسان‌های ستمگر قدرت بیشتری پیدا کرده و دیگران را در خدمت امیال خود به کار می‌گیرند.

در نتیجه دیگر سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان‌های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست.

توحید و شرک در جهان امروز

توحید روح زندگی دینی و شرک روح و محور زندگی ضد دینی است.

با توجه به شناختی که نسبت به ابعاد توحید و شرک و مراتب آن پیدا کردیم، می‌خواهیم ببینیم زندگی انسان عصر حاضر تا چه اندازه‌ای توحیدی است و کدام یک از مراتب توحید در آن بیشتر مورد غفلت قرار گرفته است. البته منظور ما از انسان عصر حاضر تمام افراد جامعه نیست بلکه منظور اکثریت افراد است.

می‌دانیم که جوامع بشری، امروز از نظر صنعت و فناوری پیشرفت فراوانی کرده‌اند. همچنین انسان امروز کمتر از بت پرستان قبل از اسلام، که بیش از ۳۶۰ بت را می‌پرستیدند، به دنبال این قبیل بت پرستی‌هاست.

طرح یک سوال

آیا انسان و جوامع بشری، به سوی زندگی توحیدی حرکت می‌کنند؟

در ابتدا به نظر می‌رسد که امروزه کمتر کسی گرفتار شرک باشد اما یک واقعیت تلخ در اینجا وجود دارد و آن این است که گرچه شرک در قالب بت و مانند آن در میان جوامع امروزی وجود ندارد، اما انواع دیگر از شرک

که بسیار پیچیده‌تر از شرک قدیم است در میان بشر به چشم می‌خورد. از جمله اینکه امروزه بسیاری از انسان‌ها جهان خلقت را ملک خود تلقی می‌کنند.

از جمله پیامدهای این تصرف

تخریب محیط زیست

آلوده شدن طبیعت

پیدا شدن جوامع بسیار فقیر در کنار جوامع بسیار ثروتمند است.

برخی از این انسان‌ها مانند فرعون که انا ربکم الاعلی می‌گفت و خود را پروردگار بزرگ مردم معرفی می‌کرد خود را مالک دیگر جوامع می‌پندارند و برای آنها تصمیم‌گیری می‌کنند.

بسیاری از انسان‌ها، چنان به امور دنیوی سرگرم شده‌اند که خدا را فراموش کرده و خداوند در قلب آنها جایگاهی ندارد.

زینت دنیا و شهوات چنان در دلشان فزونی یافته که جایی برای خلوت انس با خدا و درک معنویت را باقی نگذاشته است.

گویی هوا و هوس و آنچه و آن کس که آنان را به هوس‌هایشان می‌رساند، بت و معبودشان شده و آنها را همچون خدا می‌پرستند. و از ابزارهای جدید مانند سینما تلویزیون ماهواره اینترنت و سایر رسانه‌ها در این راه بهره می‌گیرند. و یکسره از خدا و آخرت غافل شده‌اند.

به نظر شما وظیفه ما در مقابل وضع موجود چیست و چگونه می‌توانیم به اصلاح جامعه امروزی اقدام کنیم؟

سوالات درس سوم

۱) انتخاب هر سبک زندگی چه تاثیری در زندگی ما دارد؟

۲) در انتخاب سبک زندگی به چه نکاتی باید توجه کرد؟

۳) هر سبک زندگی ریشه در چه چیزی دارد؟

۴) با ذکر مثال بنویسید هر فرد، متناسب با چه چیزی مسیر زندگی خود را تعیین می‌کند؟

(۵) توحید عملی را تعریف کنید.

(۶) بیت : زیر بیانگر چه موضوعی است؟

بر آستان جانان گر سر توان نهادن گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد

(۷) میزان تاثیر گذاری ایمان به خدا در زندگی افراد چگونه است؟

(۸) ابعاد توحید عملی را نام برده و بعد فردی آن را تعریف کنید.

(۹) چرا یک انسان موحد، همواره امیدوار است؟

(۱۰) دیدگاه یک انسان موحد نسبت به سختی های زندگی چگونه است؟

(۱۱) ابیات زیر به چه موضوعی اشاره دارد؟

سر ارادت ما	و آستان حضرت دوست	که هر چه بر سر ما می رود ارادت اوست
نظیر دوست ندیدم،	اگر چه از مه و مهر	نهادم آینه ها در مقابل رخ دوست

(۱۲) چرا انسان موحد از آرامش روحی برخوردار است؟

(۱۳) با ذکر سخنی از امام علی(ع) بنویسید یک انسان موحد چه دیدگاهی نسبت به سایر مخلوقات جهان دارد؟

(۱۴) شرک عملی به چه معنایی است؟

(۱۵) چرا یک فرد مشرک شخصیتی نا آرام دارد؟

(۱۶) بعد اجتماعی توحید را تعریف و بنویسید چه هنگامی یک جامعه توحیدی است؟

(۱۷) جامعه دارای چه ارکانی است ؟ مهم ترین رکن آن را نام ببرید.

(۱۸) نسبت جامعه توحیدی با کسانی که خداوند به آنان حق حکومت نداده، چیست؟

(۱۹) ارتباط بین بعد فردی و اجتماعی توحید چگونه است؟ توضیح دهید.

(۲۰) جامعه ای که همه افراد آن به دنبال تمایلات خود باشند، چه ویژگی دارد؟

(۲۱) روح و محور زندگی دینی و زندگی ضد دینی چیست؟

(۲۲) آیا امروزه انسان و جوامع بشری به سوی زندگی توحیدی حرکت می کنند؟

(۲۳) دو نمونه از مصادیق شرک در جهان امروز را بنویسید.

(۲۴) پیامدهای اینکه انسان جهان را ملک حقیقی خود به حساب آورده کدامند؟

(۲۵) آیا می توان به جنبه فردی توحید عملی اعتقاد داشت ولی جنبه اجتماعی آن را قبول نکرد؟

درس چهارم

فقط برای تو

درسنامه

« بگو همانا ، نماز و عبادت‌هایم و زندگی و مرگم فقط برای خداست ، که پروردگار جهانیان است. (آیه ۱۶۲ سوره انعام) »

پیام :

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ خَمْسَةٍ وَفَرَادَىٰ

بگو شما را تنها یک موعظه می کنم، اینکه به صورت جمعی و یا فردی برای خدا قیام کنید.

پیام :

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

ای فرزندان آدم آیا از شما پیمان نگرفته بودم که شیطان را نپرستید که او دشمن آشکار شماست؟ و اینکه مرا بپرستید که این راه مستقیم است؟

پیام :

با تفکر در آیات بالا توضیح دهید:

(۱) مقصود از قیام گروهی و قیام فردی چیست؟ برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر کنید.

۲) آیا میان عبارت **أَنْ اَعْبُدُونِي** و **أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ** رابطه‌ای می‌بینید؟ توضیح دهید.

.....

قبلاً آموختیم که هدف خلقت انسان تقرب به خداست. و این تقرب بدون تلاش خود انسان به دست نمی‌آید. انسان همواره بر سر **دوراهی بندگی خدا و بندگی هوای نفس** و شیطان قرار دارد و زندگی، صحنه انتخاب یکی از این دو راه است. آن کس که راه **توحید** را بر می‌گزیند و در پی آن اندیشه و دل و عمل خویش را برای رضای خدا قرار می‌دهد، خطراتی او را تهدید می‌کند و احتمال **انحراف از توحید** برای او هست.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است:

«راهیابی شرک به دل انسان، از راه رفتن مورچه‌ای سیاه در شب تاریک بر تخته سنگی سیاه پنهان‌تر است.»

پیام:

پس باید ببینیم چگونه از حریم دل پاسبانی کنیم تا آفت شرک به آن راه نیابد و عمل ما **خالص** برای خداوند انجام شود.

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

پیام:

اخلاص در بندگی

اخلاص به معنی **خالص کردن و پاک کردن** یک چیز از غیر آن است. و در کاربرد دینی بدین معناست که شخص عملش را فقط برای رضای خداوند و به گونه‌ای که او دستور داده است انجام دهد.

در اسلام شرط **قبولی** تمامی اعمال **اخلاص** است.

اخلاص مانند دوست داشتن، سخاوت و شجاعت درجات و مراتبی دارد. همان گونه که در ارزش گذاری طلا عیار یا درصد خلوص آن اهمیت دارد، اعمال انسان نیز هرچه با **اخلاص بالاتری** همراه باشد ارزش بیشتری دارد. بر همین اساس پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«مومنان با توجه به مرا مراتب اخلاصشان بر یکدیگر برتری پیدا می‌کنند.»

پیام:

عمل انسان از دو جزء تشکیل می شود اول نیت که به آن هدف یا قصد نیز می گوئیم دوم شکل و ظاهر عمل

قصد و نیت به منزله روح عمل است و شکل عمل نیز در حکم بدن و کالبد آن روح می باشد. بنابراین عمل بدون نیت کالبد بی جانی بیش نیست به همین جهت رسول خدا (ص) می فرماید:

نیه المومن خیر من عمله انما الاعمال بالنیات

نیت مومن از عمل او برتر است. همانا اعمال انسان وابسته به نیت های اوست.

پیام:

تفکر در حدیث

قال علی (ع) : فاعل الخیر خیر منه و فاعل الشر شر منه

امام علی (ع) فرمودند : انجام دهنده کار نیک ، از آن کار بهتر است و انجام دهنده کار شر ، از آن کار بد تر است.

در این سخن حکیمانه تفکر کنید و رابطه آن را با اخلاص توضیح دهید.

.....

پیام :

چون هر عملی برآمده از اعتقاد و نیت افراد است ، پس نتیجه می گیریم نیت مهم تر از خود عمل است.

انسان مومن ، علاوه بر اینکه می کوشد نیت خود را خالص کند و عمل را به خاطر خدا انجام دهد ، تلاش می کند عمل را به همان صورت که خداوند دستور داده است انجام دهد. یعنی عمل را از جهت کمیت ، کیفیت زمان ، مکان و شیوه همانطوری انجام دهد که خداوند می خواهد. مثلاً اگر خداوند امر فرموده که نماز صبح در دو رکعت با یک رکوع و دو سجده در هر رکعت و قبل از طلوع آفتاب انجام شود ، انسان مومن ، تلاش می کند نماز خود را به همین صورت انجام دهد تا صحیح باشد.

پس در هر عملی باید دو حسن موجود باشد **حسن فاعلی و حسن فعلی** حسن فاعلی بدین معناست که انجام دهنده کار دارای نیت الهی باشد حسن فعلی نیز بدین معناست که کار به همان صورت که خداوند فرمان داده انجام شود.

با توجه به تعریف بالا از حسن فاعلی و حسن فعلی موارد زیر را بررسی کنید:

(۱) آیا ممکن است عملی دارای حسن فعلی باشد اما حسن فاعلی نداشته باشد؟ و یا برعکس حسن فعلی نداشته باشد ولی دارای حسن فعلی باشد؟ مثال بزنید.

.....

(۲) اگر فردی تنها برای لاغر شدن و یا سلامت جسم روزه بگیرد ، روزه‌اش درست است ؟

.....

(۳) اگر کسی به نیت شرکت در نماز جماعت مسجد ، از منزل بیرون بیاید و به دلیل مانعی نتواند به مسجد برسد آیا نزد خدا پاداش دارد؟ به چه دلیل؟ در این کار کدام یک از اقسام حسن وجود دارد؟

.....

(۴) با توجه به اینکه ریا در مقابل اخلاص قرار می‌گیرد بررسی کنید که هر یک از موارد زیر مصداق ریا قرار می‌گیرد یا مصداق اخلاص؟

..... حضور در نماز جماعت

..... کمک به افراد نیازمند در حضور دیگران

راه‌های تقویت اخلاص

برای تقویت اخلاص در وجود خود ، راه‌هایی وجود دارد که چند مورد آن را در اینجا آوریم:

(۱) افزایش معرفت و شناخت نسبت به خداوند

پیوند محکمی میان معرفت به خداوند و ایمان به او وجود دارد. همچنین ارتباط دقیقی میان ایمان به خدا و اخلاص برقرار است. بنابراین هر قدر که معرفت ما به خداوند بیشتر شود به افزایش درجه اخلاص کمک خواهد کرد. پس خوب است ساعاتی را صرف تفکر در آیات و نشانه‌های الهی کنیم.

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

البته اگر کسی گرفتار غفلت شد و چشم اندیشه را به روی جهان بست ، آیات الهی را نخواهد یافت و دل به مهر او نخواهد داد.

مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا چه سود

..... پیام:

توجه به یک نکته مهم

عمل بر اساس معرفت و آگاهی ، بسیار ارزشمندتر و مقدس‌تر از عملی است که در آن معرفتی نیست. یا با معرفت اندکی صورت می‌گیرد. نمازی که با معرفت خوانده شود نزد خداوند بسیار ارزشمندتر از نمازی است که به جا آورنده آن نمی‌داند چه می‌گوید. حتی گاهی انسان‌های نادان به تصور اینکه کار خیر می‌کنند ، مرتکب گناهان بزرگ می‌شوند.

(۲) راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او

نیایش و عرض نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او ،

غفلت از خداوند را کم می‌کند.

محبت او را در قلب تقویت می‌سازد.

انسان را کمک‌های الهی بهره‌مند می‌نماید.

(۳) دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات

گناه ریشه درخت اخلاص و بندگی را می‌سوزاند و آن را به تدریج از بین می‌برد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید

تمام اخلاص در دوری از گناه جمع شده است.

از طرف دیگر توجه به واجبات درخت اخلاص را آبیاری و رشد می‌دهد. در میان اعمال واجب روزه تاثیر خاصی در تقویت اخلاص دارد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

خداوند بدان جهت روزه را واجب کرد تا اخلاص مردم را بیازماید.

پیام:

میوه‌های درخت اخلاص

(۱) دستیابی به درجاتی از حکمت

حکمت به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست. که هدف درست و راه رسیدن به آن را نشان می‌دهد. و مانع لغزش‌ها می‌شود. انسان حکیم به درجاتی از بصیرت می‌رسد که می‌تواند، در شرایط سخت، حق را از باطل تشخیص داده و گرفتار باطل نشود.

خداوند در قرآن کریم علاوه بر آنکه لقمان را به داشتن حکمت توصیف کرده، سفارش‌های ارزنده و حکیمانه‌ای از ایشان نقل کرده است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

« هر کس چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری خواهد شد. »

پیام:

۲) نفوذ ناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان

اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد. (چرا) زیرا شیطان خود اقرار کرده است که توانایی فریب دادن مومنان با اخلاص را ندارد.

برو این دام بر مرغی دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه

پیام:

بررسی

یکی از اوصافی که خداوند در قرآن برای حضرت یوسف ذکر کرده، داشتن اخلاص و رسیدن به مقام مخلصین است.

با بررسی آیات ۳۲ تا ۳۴ سوره یوسف بگویید شیطان چه دامی برای حضرت یوسف گسترده بود و او چگونه توانست از این دام نجات یابد؟

.....

.....

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَ لَقَدْ رَاودَتْهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَ لَئِنْ لَّمْ يَفْعَلْ مَا ءَامَرُهُ لَيُجَنَّنَّ وَ لَيَكُونَا مِّنَ الصَّغِيرِينَ (۳۲)

قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَ إِلَّا تَصْرِفَ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَ أَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ (۳۳)
فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۴)

بانوی کاخ گفت: این همان کسی است که مرا درباره عشق او سرزنش کردید. به راستی من از او خواستار کام جویی شدم، ولی او در برابر خواست من به شدت خودداری کرد، و اگر فرمانم را اجرا نکنند یقیناً خوار و حقیر به زندان خواهد رفت. (۳۲) یوسف گفت: پروردگارا! زندان نزد من محبوب‌تر است از عملی که مرا به آن می‌خوانند، و اگر نیرنگشان را از من نگردانی به آنان رغبت می‌کنم و از نادانان می‌شوم. (۳۳) پس پروردگارش خواسته‌اش را اجابت کرد و نیرنگ زنان را از او بگردانید؛ زیرا خدا شنوا و داناست.

پیام:

نکته:

در قرآن کریم هم اصطلاح **مخلص** به کار رفته و هم **مخلص** انسان مخلص انسانی است که مراتب اولیه اخلاص را طی می‌کند و در حال خالص کردن خود برای خداست. **انسان مخلص** انسانی است که از مراتب اولیه گذشته و اکنون **خداوند او را برای خود برگزیده** و خالص کرده است. کسی که به این مرتبه از اخلاص برسد از **نفوذ شیطان مصون** می‌ماند و شیطان نمی‌تواند او را وسوسه کند. شیطان امروزه نیز از **همان نوع دامی** که برای کشاندن حضرت یوسف (ع) به گناه و فساد گسترده بود ، به **صورت‌های گوناگون** برای انسان‌ها پهن کرده است ، **تا هوس زودگذر آنها را تحریک کند** و به گناه بکشد و آنان را از بهشت جاویدان محروم سازد. فیلم‌ها ، شبکه‌های ماهواره‌ای گمراه‌کننده ، شبکه‌های مجازی ناسالم ، گروه‌های منحرف / اجتماعی از جمله این دام‌هاست که **مقاومت در برابر آنها نیازمند :**

الف) روی آورد به پیشگاه خداوند

ب) انجام خالصانه فرمان‌های اوست

کسی که در چنین دام‌هایی گرفتار شود

الف) زندگی پاک و با نشاط دنیا را از دست خواهد داد.

ب) حیات سرشار از شادکامی آخرت را از دست می‌دهد.

۳) دریافت پاداش‌های وصف نشدنی

بندگی خالصانه خداوند پاداش‌هایی دارد که چه بسا در ذهن ما ننگند و از تصور ما فراتر رود. از جمله این پاداش‌های وصف نشدنی، دیدار خدا و تقرب به پیشگاه کسی است که، بنا به تعبیر امیر مومنان (ع):

« نهایت آرزوی عارفان وست دل‌های صادقان ولی مومنان و معبود عالمیان است. »

پیام:

کافی است به زندگی زیبای رسول خدا (ص) امام علی (ع) فاطمه زهرا (س) و دیگر پیشوایان خود نظر انداخته و ببینیم که چگونه از راه بندگی خالصانه خدا این همه خوبی و زیبایی و آن مقام تقرب به محبوب را به دست آورده‌اند.

.....

سوالات درس چهارم

۱) با ذکر حدیثی از پیامبر اسلام بنویسید مهم ترین خطری که یک موحد را تهدید می کند چیست؟

۲) بیت زیر به چه موضوعی اشاره دارد؟

پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب
تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

۳) اخلاص به چه معنایی است؟

۴) شرط قبولی عمل در اسلام چیست؟

۵) هر عمل از چند جزء تشکیل می شود؟ کدام جزء اهمیت بیشتری دارد؟

۶) با ذکر مثالی حسن فعلی و حسن فاعلی را تعریف کنید.

۷) آیا ممکن است عملی دارای حسن فعلی باشد اما حسن فاعلی نداشته باشد؟ و یا بر عکس، حسن فعلی نداشته باشد ولی دارای حسن فاعلی باشد؟ مثالی بزنید.

۸) اگر فردی تنها برای لاغر شدن و یا سلامت روزه بگیرد روزه اش صحیح است؟ چرا؟

۹) اگر کسی به نیت شرکت در نماز جماعت مسجد از منزل خارج شود و به دلیل مانعی نتواند به مسجد برسد، آیا نزد خدا پاداش دارد؟ به چه دلیل؟ در این کار کدام یک از اقسام حسن وجود دارد؟

۱۰) راه های تقویت اخلاص را نام ببرید.

۱۱) چگونه افزایش معرفت و شناخت خداوند سبب تقویت اخلاص می شود؟

۱۲) ابیات زیر بیانگر چه موضوعی است؟

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است	دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود	هرکه فکرت نکند نقش بود بر دیوار

.....

مهر رخسار تو می تابد ز ذرات جهان	هر دو عالم پر ز نور دیده نابینا چه سود
----------------------------------	--

۱۳) چه عاملی موجب می شود که بعضی از افراد نادان به تصور این که کار خیر می کنند مرتکب گناهان بزرگ می شوند؟

۱۴) راز و نیاز به درگاه خداوند سبب چه چیزی می شود؟

۱۵) انجام واجبات و دوری از گناه، چه نقشی در تقویت اخلاص دارد؟

۱۶) میوه ها و ثمرات اخلاص را نام ببرید.

۱۷) چگونه اخلاص سبب می شود انسان به درجاتی از حکمت دست پیدا کند؟

۱۸) چرا اخلاص موجب نفوذ ناپذیری در برابر وسوسه های شیطان می شود؟

۱۹) بیت زیر به چه موضوعی اشاره دارد؟

برو این دام بر مرغی دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه

۲۰) شیطان امروزه برای فریب انسان از چه ابزارهایی بهره می برد؟

۲۱) از جمله پاداش های وصف نشدنی بندگان مخلص، چه می باشد؟

درس پنجم

قدرت پرواز

درسنامه

در درس‌های گذشته دانستیم که تنها خالق ، مالک ، ولی ، رب و مدبر جهان ، خداست و هیچ یک از مخلوقات در اداره جهان با او شریک نیستند. همه موجودات تحت اراده تدبیر خداوند قرار دارند و به اذن او عمل می‌کنند. در این درس به بررسی و پاسخ این سوال‌ها خواهیم پرداخت که:

با توجه به اینکه همه رخدادهای جهان تحت قوانین و تدبیر خداوند است ، نقش اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟

آیا این قوانین ، مانع اختیار انسان است؟ یا بستری مناسب برای شکوفایی آن؟

در این نظام که با اراده الهی اراده می‌شود ، جایگاه اراده انسان کجاست؟ آیا اراده الهی مانع اراده انسان است؟

اختیار حقیقتی وجدانی و مشهود

میان حرکات قلب یک فرد ، برای گردش خون و حرکات پای وی به هنگام قدم زدن ، تفاوت اساسی وجود دارد. ضربان قلب اختیاری نیست ، ولی حرکات پا برای رفتن به سوی یک مقصد اختیاری و تابع اراده انسان است.

اختیار که به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است ، یک حقیقت وجدانی است و هر انسانی آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است. حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند ، در عمل از آن بهره می‌برد و آن را اثبات می‌کند.

مولوی این حقیقت را در قالب یک مثال این گونه یادآوری می‌کند:

آن یکی می‌رفت بالای درخت می‌فشاند آن میوه را دزدانه سخت

صاحب باغ آمد و گفت: ای دنی از خدا شرم بگو چه می‌کنی؟

گفت: از باغ خدا، بنده خدا می‌خورد خرما که حق گردش عطا

پس بیستش سخت آن دم بر درخت می‌زدش بر پشت و پهلوی چوب سخت

گفت: از چوب خدا، این بنده‌اش می‌زند، بر پشت دیگر بنده‌اش
چوب حق و پشت و پهلوی آن او من غلام و آلت فرمان او
گفت: توبه کردم از جبر، ای عیار اختیار است اختیار است اختیار

پیام :

البته باید توجه داشته باشیم که ، بسیاری از امور اختیاری نیستند و ما در وقوع آنها نقشی نداریم ، به عنوان مثال ، هیچ یک از ما در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود ، مانند دستگاه گوارش و یا گردش خون و همچنین در قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون جاذبه زمین ، توالی فصل‌ها و ... نقشی نداریم. این امور خارج از اختیار ما انجام می‌شود ، در عین حال باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم ، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین کننده سرنوشت ماست.

شواهد وجود اختیار در انسان

(۱) تفکر و تصمیم

هر کدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را می‌سنجیم. سپس دست به عمل می‌زنیم و گاهی نیز چار تردید می‌شویم که از میان چندین راه کدام یک را انتخاب کنیم ، دست آخر پس از بررسی‌های لازم یکی را برگزیده و عمل می‌کنیم.
اینکه فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

پیام :

(۲) احساس رضایت یا پشیمانی

هرگاه در کاری موفق شویم ، احساس رضایت خرسندی می‌کنیم. این احساس رضایت ، نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم عاقلانه خود می‌دانیم. گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم ، در این هنگام احساس پشیمانی می‌کنیم و با خود می‌گوییم ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم. این احساس پشیمانی نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشته‌ام.

گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟
وان پشیمانی که خوردی زان بدی ز اختیار خویش گشتی مهتدی

پیام :

۳) مسئولیت پذیری

هر کدام از ما ، خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم. به همین جهت آثار و عواقب اعمال خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده‌ایم آن را جبران می‌کنیم. عهدها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین اگر کسی پیمان شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد ، خود را مستحق مجازات می‌داند.

هیچ گویی سنگ را، فردا بیا ورنیایی، من دهم بد را سزا
هیچ عاقل، مرکلوخی را زند هیچ با سنگی، عتابی کس کند

پیام:

خدای متعال ، متناسب با همین قوه اختیار ، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاسگزار باشد یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد و مسیر شقاوت را بپیماید.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس

پیام:

تدبر در قرآن

در آیات زیر تدبر کنید و توضیح دهید هر یک از این آیات ، کدام یک از شواهد و نشانه های وجود اختیار در انسان را بیان می کند.

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا

بی تردید برای شما از سوی پروردگارتان دلایلی روشن آمده، پس هر که ببیند به سود خود اوست و هر که کوردل شود به زیان خود اوست،

پیام:

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ

این (عقوبت) به خاطر کردار پیشین شماست، خداوند هرگز به بندگان ظلم نمی کند.

پیام:

قانونمندی جهان زمینه ساز شکوفایی اختیار

خداوند ، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن

برای زندگی خود برنامه ریزی کنیم

در مسیر رشد و کمال تا آنجا پیش برویم که جز خداوند کسی به عظمت آن آگاه نیست.

ممکن است در اینجا این سوال به ذهن برسد که: ما در جهانی زندگی می کنیم که خداوند امور آن را تدبیر می کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده و جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می کند و به پیش می رود. به عبارت دیگر ما در جهانی زندگی می کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است. پس در این صورت آیا قدر و قضای الهی مانع اختیار ما نیست؟

قبل از پاسخ به این سوال ، لازم است این دو اصطلاح قرآنی یعنی قدر و قضا را بیشتر بشناسیم.

قدر و قدر به معنای اندازه است. و تقدیر به معنای اندازه گرفتن

قضا نیز به معنای به انجام رساندن ، پایان دادن ، حکم کردن و حتمیت بخشیدن است.

مخلوقات جهان ، از آن جهت که خدای متعال با علم خود ، اندازه ، حدود ، ویژگی ، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند ، به تقدیر الهی وابسته هستند. و از آن جهت که ، با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می شوند به قضای الهی وابسته هستند.

پس اینکه می گوئیم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است ، به این معنی است که ، نقشه جهان با همه موجودات ، ویژگی ها و قانون هایش از آن خدا و از علم خداست. قدر و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست لذا به همین دلیل نه در نقشه جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.

* حال با توجه به معنای قدر و قضا ، اگر وضع جهان غیر از این بود ، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت (قانونمند نبود) آیا می توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم با اختیار خود دست به انتخاب زده و در این جهان کار و فعالیت کنیم؟

* از این رو فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره مندی از اختیار وجود دارد. زیرا اگر وقایع جهان قانونمند نبود و همه چیز اتفاقی رخ می داد ، انسان نمی دانست باید دست به چه انتخابی بزند. آبی که برای رفع تشنگی می نوشیم به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست. یعنی می دانیم که خداوند آب را با این ویژگی ها آفریده که سبب رفع تشنگی می شود.

* اما اگر کسی این تقدیرها را نبیند و نظم فعلی جهان را یک اتفاق بداند ، چه خواهد کرد. آیا امکان استفاده از اختیار را در چنین جهانی خواهد داشت؟

اصلاح یک پندار

رخی که می‌پندارند ، قدر و قضای الهی با اختیار انسان ناسازگار است ، تصور می‌کنند ، تقدیر چیزی غیر از قانونمندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت ، هر قانونی را لغو و هر نظمی را بر هم می‌زند. در حالی که دیدیم معنای قدر و قضای الهی این است که

* هر چیزی قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان بر اساس قواعدی بنا شده است.

* این قواعد توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

پس بدون قدر و قضای الهی

* هیچ نظمی برقرار نمی‌شود. * هیچ زمینه‌ای برای کار/اختیاری پدید نمی‌آید.

روزی امیر مومنان علی (ع) با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشسته بود. آن حضرت متوجه کجی و سستی دیوار شد و برای اینکه مبدا دیوار روی او و یاران خراب شود ، از آنجا برخاست و زیر سایه دیوار دیگری نشست.

یکی از یاران به آن حضرت گفت: یا امیرالمومنین آیا از قضای الهی می‌گریزی؟ امام فرمود: از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.

یعنی از نوعی قضا و قدر الهی به نوعی دیگر از قضا و قدر الهی پناه می‌برم.

برداشت نابجای آن شخص چنین بود که: ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود ، ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم. بنابراین حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری بی‌فایده است.

اما امیرالمومنین علیه السلام با رفتار و سپس گفتار خود به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قدر و قضا نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست بلکه عامل و زمینه ساز آن است.

در واقع فروریختن دیوار سست و کج یک قضای الهی است که متناسب با تقدیر خاص آن دیوار است. اما اگر دیوار ویژگی و تقدیر دیگری داشت ، مثلاً محکم باشد ، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسان از این دو قضا می‌تواند دست به انتخاب مناسب‌تر بزند بهترین‌ها را انتخاب کند.

اختیار انسان یک تقدیر الهی

وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می‌گوییم ، منظورمان فقط تعیین طول ، عرض ، حجم ، مکان و زمان یک موجود نیست. این‌ها ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همه ویژگی‌ها ، کیفیت‌ها کمیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود. اینکه آب در چه درجه‌ای به جوش آید ، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند ، بدن انسان از چه اعضایی تشکیل شود ، هر عضوی کدام کار را انجام دهد ، همه و همه از تقدیرات الهی است. یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد. یعنی همانطور که مثلاً ، به آب ویژگی مایع بودن را داده است ، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است. به تعبیر دیگر خداوند اینگونه تقدیر کرده که انسان ، کارهایش را با اختیار انجام دهد. کسی نمی‌تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست فرار کند. حتی اگر بخواهد اختیار را انکار کند باز هم یک کار اختیاری انجام داده است.

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند

سوال چگونه می‌توان هم به قضا و قدر الهی اعتقاد داشت و گفت همه کارها با اراده خدا انجام می‌شود و هم انسان را موجودی مختار دانست که کارهایش را با اراده خودش انجام می‌دهد؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا با علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند بیشتر آشنا شویم. این علل بر دو دسته اند:

علل عرضی

در پیدایش هر پدیده ، ممکن است چند عامل به صورت مجموعه با همکاری یکدیگر مشارکت کنند. مثلاً برای رویش گل مجموعه‌ای از باغبان ، خاک ، آب ، نور و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند. این گونه علل را علل عرضی می‌گویند. در علل عرضی هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

علل طولی

گاهی تاثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده اینگونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تاثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. برای مثال به هنگام نوشتن ، چند عامل در طول هم در انجام این کار دخالت دارند.

* نفس یا روح که اراده نوشتن می‌کند

* ساختار عصبی بدن که با اراده نفس موجب حرکت دستمان می‌شود.

* دست که قلم را به حرکت در می‌آورد.

* قلم که با حرکت خود در صفحه جملات را می‌نگارد.

کل کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می‌توان نسبت داد. بدین معنا که اگر هر یک از این عوامل نبود عمل نوشتن ممکن نمی‌شد. اما هر علتی به ترتیب ، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد.

قلم می‌نویسد ، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه خود محصول کار دستگاه عصبی است. این کار هم ناشی از اراده است که برآمده از نفس شماسست. این علت‌ها را علل طولی می‌گویند.

در مثال نوشتن علت‌ها در طول هم هستند. در یک ردیف و مستقل نیستند. بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین وابسته به علت مرتبه بالایی است.

وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست به عبارت دیگر خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری تا زمانی که ما اراده کاری را نکرده‌ایم آن کار انجام نمی‌گیرد. در عین حال وجود ما ، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند ، همگی وابسته به اراده خداوند است. یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

بررسی

با اینکه قضای الهی و اختیار ، هر دو ، چه در موفقیت‌ها و چه در شکست‌های انسان نقش دارند ، چرا برخی انسان‌ها می‌کوشند شکست‌های خود را به قضا و قدر الهی نسبت دهند؟

سوالات درس پنجم

(۱) اختیار به چه معنایی است؟

(۲) انسان با قدرت اختیار خود در چه اموری می‌تواند تصمیم بگیرد؟

(۳) شواهدی که دلیل بر اختیار انسان است را نام ببرید.

۴) از شواهد اختیار، تفکر و تصمیم را توضیح دهید.

۵) احساس رضایت و یا پشیمانی از یک کار، چگونه دلیلی بر قدرت اختیار انسان است؟

۶) از شواهد اختیار در انسان، مسئولیت پذیری را شرح دهید.

۷) ابیات زیر به کدام یک از شواهد اختیار، اشاره دارد؟

این که فدا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

.....

گر نبودی اختیار این شرم چیست این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟
و آن پشیمانی که خوردی زان بدی ز اختیار خویش گشتی مهتدی

.....

هیچ گویی سنگ را فردا بیا ورنیایی من دهم بد را سزا؟
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

۸) خداوند متعال متناسب با چه چیزی انسان را هدایت کرده است؟

۹) خداوند با بخشیدن قدرت اختیار به انسان، از او چه خواسته است؟

۱۰) قدر و قضای الهی به چه معنایی است؟

(۱۱) مخلوقات جهان از چه جهت وابسته به تقدیر الهی هستند؟

(۱۲) مخلوقات جهان از چه جهت وابسته به قضای الهی هستند؟

(۱۳) اینکه می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، یعنی چه؟

(۱۴) چرا فقط با زندگی در یک جهان قانون مند امکان بهره‌مندی از اختیار وجود دارد؟

(۱۵) آیا قضا و قدر با اختیار انسان تضاد دارد؟

(۱۶) علل عرضی را با ذکر مثال تعریف کنید.

(۱۷) علل طولی را با ذکر مثال تعریف کنید.

(۱۸) رابطه قضا و قدر با اختیار انسان چگونه است؟

درس ششم

درسنامه سنت های خداوند در زندگی

درسنامه

در درس قبل با حقیقت اختیار و رابطه آن با قضا و قدر الهی آشنا شدیم و دانستیم که قانونمندی حاکم

بر جهان خلقت تجلی تقدیر الهی و زمینه ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار اوست. در این درس می‌خواهیم به دو سوال پاسخ دهیم:

(۱) قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر زندگی انسان کدامند؟

(۲) آشنایی با این قوانین و سنت‌ها چه تاثیری در برنامه‌ریزی ما در زندگی و پیمودن راه موفقیت دارد؟

سنت‌های الهی

دانستیم که بر اساس تقدیر الهی جهان خلقت قانونمند است و پدیده‌های آن در دایره قوانین خاصی مسیر تکاملی خود را می‌پیمایند. این قانونمندی اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را ر بر می‌گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان سنت‌های الهی یاد کرده و مردم را به شناخت آنها به خصوص سنت‌های مربوط به زندگی انسان دعوت نموده است.

شناخت قوانین جهان خلقت از طریق علومی مانند فیزیک شیمی و زیست شناسی سبب:

آشنایی انسان با نشانه‌های الهی می‌شود

بهره گرفتن از طبیعت می‌شود.

اما شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها موجب:

* نگرش صحیح ما نسبت به تلخی‌ها و شیرینی‌ها ، شکست‌ها و موفقیت‌ها ، بیماری و سلامت و به طور کلی همه حوادث زندگی می‌شود.

* دیدگاه ما را نسبت به وقایع و حوادث جهان از دیگران ممتاز می‌سازد.

* این شناخت ، در رابطه ما با خدا با خود با خلقت و با دیگران تاثیر دارد.

برخی از سنت‌های الهی عبارتند از:

(۱) ابتلا

ابتلا در لغت به معنای امتحان است و در اصطلاح دینی به معنای قرار دادن فرد در شرایط و موقعیتی است که صفات درونی خود را بروز دهد و درستی یا نادرستی آن آنچه را که ادعا کرده مشخص سازد. البته میان امتحان الهی و امتحان بشری تفاوت وجود دارد. و آن این است که در امتحان بشری ما غالباً از حقیقت درون افراد بی‌خبر هستیم و می‌کوشیم تا از طریق امتحان کردن آنها، به آگاهی لازم برسیم. ولی امتحان خداوند علیم، برای آگاه شدن از درون افراد نیست بلکه برای رشد دادن و به ظهور رساندن استعدادها و نشان دادن تمایلات درونی افراد است.

سنت ابتلا یکی از عام‌ترین و فراگیرترین سنت‌های الهی حاکم بر زندگی انسان است که ثابت و همیشگی است و شامل همه انسان‌ها در همه دوران‌ها می‌شود. به عبارت دیگر زندگی هر انسانی چه مومن چه کافر چه فقیر چه غنی صحنه انواع امتحان‌ها و آزمایش‌هاست.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ اِلَيْنَا تُرْجَعُونَ
هرکس طعم مرگ را می‌چشد و قطعاً شما را با شر و خیر می‌آزماییم و به سوی ما باز گردانده می‌شوید.

پیام:

اُحْسِبَ النَّاسُ اَنْ يُّتْرَكُوا اَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَ هُمْ لَا يُفْتَنُونَ
آیا مردم گمان کردند رها می‌شوند، همین که بگویند ایمان آوردیم، و آزمایش نمی‌شوند؟

پیام:

موفقیت در هر مرحله از امتحان الهی سبب ورود فرد به مرتبه‌ای برتر می‌شود و او را با امتحان‌های جدیدتری روبرو می‌کند. درست مانند دانش آموزی که با موفقیت در هر امتحانی وارد مرحله‌ای بالاتر از امتحانات می‌گردد. به طور مثال اگر انسان ایمان به خداوند را اعلام کند بنا به سنت ابتلا وارد امتحان خاص آن می‌شود و به میزانی که در آزمون‌های اولیه سربلند بیرون آید قدم در آزمون‌های بعد می‌گذارد و برای کسب کمالات برتر آماده می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

« انما المومنون بمنزله كفه الميزان كلما زيد في ايمانه زيد في بلائه »

به راستی که مومن به مانند کفه ترازوست هر اندازه ایمانش افزوده شود، امتحانش نیز افزوده می شود.

پیام :

سوال خداوند با چه چیزی ما را امتحان می کند؟

پاسخ این است که او با هر امر خیر یا شری ما را می آزماید. بیماری یا سلامت فقر یا ثروت خشکسالی یا بارش باران و به طور کلی هر حادثه شیرین یا تلخ ، مواد امتحانی ما به حساب می آیند و نحوه مواجهه ما با آنها ، پیروزی یا شکست ما را رقم می زند. از این رو کوچکترین حادثه ای که پیرامون ما رخ دهد ، امتحانی برای ماست تا روشن شود که : ما نسبت به آن حادثه چه تصمیمی گرفته و چگونه عمل می کنیم. عمل درست ، رشد و کمال و عمل غلط عقب ماندگی و خسران ما را به دنبال دارد.

تفکر در متن

در رفتار و عملکرد میان کسی که مصیبت و گرفتاری را امتحان الهی می داند با کسی که آن را یک پیشامد طبیعی می شمارد ، چه تفاوت هایی وجود دارد؟

.....

۲) امداد عام الهی

وقتی انبیا مردم را به دین الهی فرا می خوانند ، مردم در برابر این دعوت دو دسته می شوند:

۱) دسته ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می دهند و هدایت الهی را می پذیرند.

۲) دسته ای لجابت ورزیده و در مقابل حق می ایستند.

خداوند سنت و قانون خود را بر این قرار داده که هر کس هر کدام از این دو راه را برگزید بتواند از همین امکاناتی که خدا در اختیارش قرار داده (مانند قدرت اراده ، توان جسمی و فکری ، امکانات موجود در جهان خلقت و ...) استفاده کند تا در همان مسیری که انتخاب کرده است به پیش رود. در واقع خداوند امکانات رسیدن به خواسته ها و هدف های هر دو گروه را فراهم کرده است. حال کسی که راه حق را بر میگزیند مراتب کمال را می پیماید و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده و برای آن تلاش

می‌کند همان را به دست می‌آورد. البته اینان عواقب زیانبار تصمیم غلط خود را در آخرت مشاهده خواهند کرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید :

« کسانی که زندگی دنیا و تجملات آن را بخواهند، حاصل کارهایشان را در همین دنیا به آنان می‌دهیم و کم و کاستی نخواهند دید. اما اینان در آخرت جز آتش دوزخ ندارند و هر چه در دنیا کرده اند بر باد رفته و آنچه را که انجام می‌دهند، باطل است. »

پیام :

كَلَّا تُمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا

هر یک از اینان و آنان (خواهان آخرت و دنیا) مدد می‌رسانیم از عطای پروردگارت و عطای پروردگارت (از کسی) منع نشده است.

پیام:

(۳) امداد خاص (توفیق الهی)

در اصطلاح دینی توفیق به معنای آسان نمودن است. یعنی خداوند شرایط و اسباب را برای کسی که با نیت پاک ، قدم در راه حق می‌گذارد و در این راه سعی و تلاش می‌کند چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد. این امداد خاص خداوند سنت توفیق الهی نام دارد.

یکی از جلوه‌های این توفیق ، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. خداوند انسان تلاشگر و مجاهد راه حمایت می‌کند ، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد. از جلوه‌های دیگر توفیق الهی ، ایجاد زمینه مناسب برای رشد شخص مومن می‌باشد.

مانند : یافتن دوست خوب ، شرکت در یک جلسه قرآنی و خواندن یک کتاب تاثیر گذار

در کسب توفیق الهی ، عوامل درونی مانند داشتن روحیه حق‌پذیری هم نقشی تعیین کننده دارد.

برای مثال : دو نفر با هم آیاتی از قرآن را از پیامبر اکرم (ص) می‌شنیدند اما این آیات ایمان یکی را تقویت و بر لجاجت و کفر دیگر می‌افزود. مثال دیگر : دو نفر با هم از کنار مسجدی می‌گذرند و صدای اذان را می‌شنوند یکی به مسجد رفته تا نماز اول وقت خود را بخواند اما دیگری بدون توجه از کنار مسجد می‌گذرد.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

و کسانی که در راه ما جهاد (تلاش) کنند. حتما آنان را به راه خود هدایت می کنیم، در حقیقت خداوند با نیکوکاران است.

پیام:

۴) سبقت رحمت بر غضب

از آنجا که خداوند به بندگان خود محبت دارد با همه آنان چه نیکوکار و چه گناهکار به لطف و مهربانی رفتار می کند. او به بندگان خود اعلام می کند که:

« پروردگار شما رحمت را بر خود واجب کرده است. »

پیام:

یعنی حتی آنجا که خداوند بر کسی سخت می گیرد باز هم از دریچه لطف و رحمت است. مانند مادری که بر فرزندش سخت می گیرد و یا در مواردی او را تنبیه می کند تا او را از اشتباه باز دارد و به هیچ وجه قصد انتقام گیری از فرزند خود را ندارد. از همین جهت است که راه بازگشت گناهکار به خدا همیشه باز است.

یا من سبقت رحمته غضبه

ای خدای که رحمتش بر غضبش سبقت گرفته است.

پیام :

نمونه هایی از سبقت رحمت خدا بر غضب

آمرزش گناهان با توبه ، آمرزش برخی گناهان با انجام کار نیک ، حفظ آبروی بندگان گناهکار ، پذیرش عبادت اندک ، رضایت سریع از کسی که طلب آمرزش کرده و یا وقتی انسان کار نیکویی انجام می دهد خداوند به فرشته اش فرمان می دهد فوراً آن را ثبت نماید. اما وقتی گناهی مرتکب می شود به فرشته خود دستور می دهد که صبر کند تا بنده اش توبه کند و جبران نماید در صورتی که بنده توبه نکرد آن گناه را ثبت می نماید همچنین خداوند عمل نیک را چند برابر پاداش و کار بد را فقط به اندازه خودش جزا می دهد.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

کسی که کار نیکی بیاورد، ده برابر آن (پاداش) می گیرد و هر کسی کار بدی بیاورد، جز به اندازه آن کیفر نشود و برآنان ستم نشود.

پیام:

(۵) املاء و استدراج

خداوند برای انسانی که به دام گناه می‌افتد ، شرایطی را فراهم می‌کند که بتواند توبه کند و از گناه دوری نماید. حتی اگر بارها گناه کرد و توبه نمود ، باز هم خداوند از گناه او می‌گذرد. اما اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند ، که :

✽ / از کار خود خرسند باشند

✽ با حق دشمنی و لجابت ورزند

خداوند به آنها فرصتی می‌دهد و بر امکانات و نعمت‌های آنان می‌افزاید و آنها این فرصت‌ها و نعمت‌ها را وسیله غوطه‌ور شدن در گناهان قرار می‌دهند. در حقیقت ، مهلت‌ها و نعمت‌ها با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین‌تر شود و به تدریج به هلاکت ابدی نزدیک‌تر شوند. این سنت که حاکم بر زندگی معاندان است سنت استدراج نام دارد.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد، از آن راه که نمی‌دانند و به آنها مهلت می‌دهم، همانا تدبیر من استوار است.

پیام:

.....

نکته :

باید توجه کنیم که صرف وفور نعمت دلیل بر گرفتار شدن به سنت استدراج نیست. بلکه اگر کسی غرق در نعمت باشد و در همان حال به خداوند اعتقاد نداشته و دستورات او را عمل نکند و پی در پی غرق در گناه شود گرفتار سنت استدراج خواهد شد.

قرار گرفتن در دایره سنت املا و استدراج نتیجه عمل خود انسان‌هاست. بنابراین باید بکوشیم در دایره این سنت‌ها قرار نگیریم تا به هلاکت ابدی گرفتار شویم.

«امیرالمومنین (ع) : چه بسا احسان پیاپی خدا ، کسی را گرفتار کند و پرده پوشی خدا او را مغرور سازد و با ستایش مردم فریفته و شیفته خود گردد و خدا هیچ کس را همانند کسی که به او مهلت داده، امتحان و آزمایش نکرده است.»

پیام:

.....

۶) تاثیر اعمال انسان در زندگی او

رهنمودهای قرآن کریم و پیشوایان دین بیانگر آن است که آینده زندگی هر فرد و اتفاقاتی که برای او رخ می‌دهد، در موارد بسیاری تحت تاثیر رفتارهای گذشته او اعم از رفتارهای خوب و بد است.

« من یموت بالذنوب اکثر ممن یموت بالاجال و من یعیش بالاحسان اکثر ممن یعیش بالاعمار »

کسانی که به واسطه گناه می‌میرند از کسانی که به واسطه سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند، و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند، از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیشترند.

پیام:

همچنین در تعالیم دینی آمده است که :

صله رحم و محبت به خویشان و دادن صدقه عمر را افزایش می‌دهد و قطع رحم ، بی‌محبتی به خویشان ، عمر را کاهش می‌دهد. احسان به والدین ، امانت داری ، لقمه حلال ، آب دادن به درخت تشنه یا سیراب کردن حیوانات و نیز برطرف کردن اندوه و غصه دیگران ، زندگی را بهبود می‌بخشد. ظلم به دیگران و افزایش گناه اعم از فردی و اجتماعی آثار زیان باری از جمله نزول بلا و عدم استجابت دعا را به دنبال دارد همانطور که تقوا و ایمان واقعی به خداوند سبب نزول برکات الهی می‌گردد.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، قطعاً برایشان می‌گشودیم برکاتی از آسمان و زمین ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم به (کیفر) آنچه مرتکب می‌شدند.

پیام:

.....

.....

سوالات درس ششم

(۱) منظور از سنت های الهی چیست؟

۲) شناخت قوانین حاکم بر جهان خلقت، از چه طریقی امکان پذیر است؟ شناخت این قوانین چه کمکی به انسان می کند؟

۳) شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان ها، سبب چه چیزی می شود؟

۴) ابتلاء به چه معنایی است؟

۵) امتحان الهی با امتحان بشری چه تفاوتی دارد؟

۶) چرا گفته می شود سنت ابتلاء ، عام ترین سنت الهی است؟

۷) خداوند با چه چیزی انسان ها را امتحان می کند؟

۸) سنت امداد عام الهی را تعریف کنید.

۹) نحوه برخورد انسان ها با کمک های خداوند در سنت امداد عام، چگونه است؟

۱۰) امداد خاص یا توفیق الهی را تعریف کنید.

۱۱) چند نمونه از جلوه های سنت امداد خاص را بنویسید.

(۱۲) با ذکر مثالی بنویسید در سنت توفیق الهی، چه عاملی نقش تعیین کننده دارد؟

(۱۳) چرا رحمت الهی بر غضب او سبقت دارد؟

(۱۴) با توجه به سنت سبقت رحمت بر غضب، چرا خداوند بر بعضی از بندگان سخت می گیرد؟

(۱۵) مواردی از سنت سبقت رحمت بر غضب الهی را بنویسید.

(۱۶) سنت املا و استدراج را تعریف کنید.

(۱۷) قرار گرفتن در دایره سنت استدراج نتیجه چیست؟

(۱۸) آیا اعمال انسان در زندگی آینده او تاثیر دارد؟ توضیح دهید.

بخش دوم

در مسیر

سرآغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سمت رشد و کمال، اندیشه و تفکر است.

اما گام بعد، حرکت برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است که با:

* انجام دادن مجموعه‌ای از کارها (واجبات) * ترک برخی از امور (محرمات)

در قلمروهای مختلف ممکن است. هر چند این مسیر با دشواری‌هایی ممکن است همراه باشد اما یادمان نرود که خداوند ، قدرتمندترین قدرتمندان ، پشتیبان ما در این مسیر است.

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللّٰهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی (خدا) آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست، هدایت می کند.

پیام:

.....

.....

درس هفتم

بازگشت

درسنامه

« خدای متعال به حضرت داود(ع) فرمود : ای داود، اگر آنان که از من روی گردانده اند می دانستند که چگونه انتظار آنها را می کشم و شوق باز گشتشان را دارم، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می دادند و بند وجودشان از محبت من از هم می گسست. »

پیام:

تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامه راه نیست. بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیان باری بر جای گذاشته است. این گونه تصمیم‌ها توبه نام دارد.

عبد یا آزاد؟

صدای ساز و آواز بلند بود. هر کس که از نزدیک آن خانه با شکوه می‌گذشت، می‌توانست حدس بزند که درون خانه چه خبر است. بساط عیش می‌گساری پهن بود. زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود از آنجا می‌گذشت. از

آن زن پرسید: صاحب این خانه، بنده است یا آزاد؟ زن گفت آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست. آن مرد گفت: معلوم است که آزاد است، اگر بنده بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت. رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مدت بیشتری، در بیرون خانه مکث کند. هنگامی که بازگشت، اربابش پرسید: چرا معطل کردی؟ خدمتکار ماجرا را تعریف کرد. شنیدن ماجرا، صاحب خانه را چند لحظه در اندیشه فرو برد. جمله، اگر بنده می‌بود بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت، چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. یکباره از جا برخاست و بدون پوشیدن کفش، با پای برهنه به دنبال گوینده سخن رفت. دوید تا خود را به گوینده سخن که امام موسی کاظم علیه السلام بود، رساند در حضور امام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند بشر بن حارث که تا آن روز، در زمره اشرافزادگان قرار داشت، در سلک مردان پرهیزکار و خداپرست درآمد.

انقلاب علیه خود

در میان مخلوقات، انسان موجودی است که علاوه بر ایستادگی در برابر موانع بیرونی، می‌تواند در برابر موانع درونی نیز ایستادگی کرده و حتی علیه خود، انقلاب کند. بدین معنا که می‌تواند با پیروی از عقل علیه تمایلات ناپسند خود قیام کند و انقلاب نماید.

بررسی

با توجه به آنچه در سال‌های قبل درباره نفس / اماره و نفس / لوازمه و خود دانی و خود عالی آموخته‌اید به سوال زیر پاسخ دهید:

مقصود از انقلاب علیه خود چیست؟ کدام خود علیه دیگری انقلاب می‌کند؟

حقیقت توبه

توبه در لغت، به معنای بازگشت است. و در اصطلاح دینی به معنای بازگشت از گناه به سوی خداوند و قرار گرفتن در دامن عفو و غفران اوست.

این حالت، وقتی رخ می‌دهد که انسان از گناه پشیمان شده و قصد انجام آن را نداشته باشد. با بازگشت بنده گناهکار خداوند نیز به سوی او باز می‌گردد و درهای رحمتش را به رویش می‌گشاید و آرامش را به قلب او باز می‌گرداند.

همین که انسان بعد از انجام گناه در دل احساس پشیمانی کند و زبان حالش این باشد که، (چرا به فرمان خدا بی توجهی کردم. دیگر این کار را انجام نمی دهم) توبه انجام شده گناه بخشیده می شود.

امام باقر علیه السلام می فرماید: برای توبه کردن پشیمانی کافی است.

پیام: توبه، با پشیمانی از گناه صورت می گیرد، و نیاز به ذکر و عمل خاصی ندارد.

چنین انسانی واقعاً در دل استغفر/الله را گفته است، گرچه آن را بر زبان جاری نکرده باشد. اما اگر برعکسش، یعنی با زبان استغفر/الله بگوید، اما در قلبش پشیمان نباشد و قصد انجام دوباره آن گناه را داشته باشد، چنین کسی توبه نکرده است.

توبه و پاکی

گناه آلودگی است و توبه پاک شدن از آلودگی هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شست و شو می دهد. به همین جهت این عمل را پیرایش یا تخلیه نیز می گویند.

رسول خدا(ص) می فرماید: التائب من الذنب کمن لا ذنب له
کسی که از گناهان توبه کرده مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است.

امیر مومنان علی(ع) می فرماید: التوبه تطهر القلوب و تغسل الذنوب
توبه دل ها را پاک می کند و گناهان را می شوید.

پیام:

چند نکته مهم

(۱) با توبه همه گناهان، حتی شرک هم آمرزیده می شود. خداوند به پیامبرش پیام می دهد:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

بگو ای بندگان من که بسیار به خود ستم روا داشته اید، از رحمت الهی نا امید نباشید همانا خداوند همه گناهان را می بخشد، به درستی که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

پیام:

۲) توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه اگر ایمان و عمل صالح نیز به دنبال آن بیاید گناهان را به حسنات تبدیل می‌کند.

« خداوند می‌فرماید: کسی که بازگردد و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، خداوند گناهان آنان را به حسنات تبدیل می‌کند زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است. »

پیام:

۳) توبه در جوانی آسان‌تر است و خداوند توبه جوانان را بسیار دوست دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: کسی نزد من محبوب‌تر از جوان توبه کار نیست.

پیام:

۴) در توبه همیشه باز است، اما توفیق توبه همواره میسر نیست. باید لحظه‌های توفیق را شکار کرد و خود را در دامن مهر خداوند انداخت.

۵) تکرار توبه، اگر واقعی باشد، نه تنها به معنای دور شدن از خداوند نیست، بلکه موجب محبوب شدن انسان نزد خداوند و جلب رحمت او می‌شود.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

خداوند کسانی را که زیاد توبه می‌کنند، دوست دارد و پاکیزگان را دوست دارد.

پیام:

بنابراین، اگر کسی گناهی را مرتکب شد و توبه کرد، اما توبه‌اش را شکست و دوباره مرتکب گناه شد، هیچ مانعی ندارد که باز هم توبه کند. چرا که خداوند کسی را که فوراً از گناه خود ناراحت می‌شود و بسیار توبه می‌کند، دوست دارد. زیرا می‌بیند چنین فردی با اینکه در دام گناه افتاده اما قلبش نزد اوست و به سرعت از عمل خود پشیمان می‌شود.

حیله‌های شیطان

شیطان برای دور کردن انسان از توبه، تلاش فراوان می‌کند و با حيله و فریب مانع توبه انسان‌ها می‌شود. برخی از حيله‌های وی عبارتند از:

(۱) ناامید کردن از رحمت الهی : شیطان، ابتدا با این وعده، که گناه کن و بعد توبه کن، به سوی گناه می کشاند و وقتی که آلوده شد، از رحمت الهی مایوسش می سازد و می گوید: (آب که از سر گذشت چه یک وجب چه صد وجب) در این حالت انسان با خود می گوید، که کار از کار گذشته و پرونده عملم آنقدر سیاه است که دیگر توبه ام پذیرفته نیست. در حالی که اگر واقعاً توبه کند و پشیمان شود خداوند توبه اش را می پذیرد.

بازآ، بازآ، هر آنچه هستی بازآ گر کافر و گبر و بت پرستی بازآ
این درگه ما درگه ناامیدی نیست صد بار اگر توبه شکستی بازآ

(۲) به تاخیر انداختن توبه (تسويف) : تسويف از ریشه سوف و به معنای امروز و فردا کردن و کار امروز را به فردا انداختن است. به عبارت دیگر، فرد گناهکار، دائماً به خود می گوید: به زودی توبه می کنم. این گفته را آنقدر تکرار می کند تا اینکه میل به توبه در او خاموش می شود.

این حيله شیطان، بیشتر برای همراه کردن جوانان به کار می رود. به او می گوید: تو هنوز جوانی و فرصت توبه داری، اما این یک دام است و سبب عادت جوانان به گناه می شود به طوری که ممکن است ترک گناه، برایش سخت گردد. درست است که هر وقت برگردیم خدا قبولمان می کند. اما اگر انسانی غرق گناه شود، دیگر معلوم نیست که میل به توبه پیدا کند. شاید گناه به قدری بر روحش غلبه کند که هیچ وقت قلبش از گناه پشیمان نشود. در این حالت توبه ای صورت نگرفته است.

(۳) گام به گام کشاندن به سوی گناه : روش دیگر شیطان برای کشاندن انسان به شقاوت، این (۳) است که او را گام به گام و آهسته به سمت گناه می کشاند تا در این فرایند تدریجی، متوجه زشتی گناه نشود و اقدام به توبه نکند. برای مثال، شیطان از همان ابتدا انسان را به رابطه نامشروع با جنس مخالف دعوت نمی کند، بلکه در گام اول، سخن از یک دوستی ساده به میان می آورد، دوستی که فقط در حد صحبت کردن و درد دل کردن است، چنان این دوستی را پیش می برد که فرد خود را غرق در فساد و آلودگی می بیند.

مراحل تکمیلی توبه

توبه یا همان پشیمانی از گناه آثار و نتایجی دارد که در زندگی شخص توبه کننده خود را نشان می دهد. از جمله:

(۱) **تلاش در جهت دور شدن از گناه :** توبه کننده تلاش می کند دیگر به سراغ گناهی که از آن پشیمان شده است نرود. زیرا انجام آن مساوی با شکستن توبه است که در آن صورت باز هم باید توبه کند. به عبارت دیگر، اگر توبه کننده حقیقتاً توبه کرده باشد، گرچه ممکن است به انجام آن گناه وسوسه شود، اما سعی خواهد کرد که در عمل از آن دوری نماید. از مکان ها و موقعیت هایی که می تواند زمینه ساز شکل گیری گناه باشند، دوری می کند.

بررسی

برای اینکه حالت پشیمانی، به ترک گناه بینجامد، چه راه حل هایی را پیشنهاد می دهید؟

.....

(۲) **جبران حقوق الهی و حقوق مردم :** توبه کننده تلاش می کند حقوقی را که با گناه خود ضایع کرده است جبران نماید.

* دسته ای از این حقوق مربوط به خداوند است. مهم ترین حق خداوند نیز **حق اطاعت و بندگی** اوست. توبه کننده باید بکوشد کوتاهی های خود را در پیشگاه خداوند جبران کند، برای مثال: نمازها یا روزه های از دست داده را به تدریج قضا نماید. البته خداوند نسبت به بندگان خود **مهربان** است، اگر ببیند که شخص توبه کار تلاش خود را کرده و نتوانسته همه گناهان را جبران کند بقیه موارد را **عفو** می کند.

* دسته ای دیگر حقوق مردم است. توبه کننده باید بکوشد اگر ستمی بر مردم کرده است، آن را جبران نماید و **حقوق مادی یا معنوی** آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد به نیابت از آنان **صدقه دهد و برایشان دعا و طلب آمرزش** نماید.

توجه : حقوق معنوی انسان ها بسیار مهمتر از حقوق مادی آنان است.

اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبرو انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا راه انداختن یک شبکه اجتماعی گمراه کننده در فضای مجازی، فساد در جامعه گسترش یافته، در واقع **حقوق معنوی** افراد ضایع شده است و باید فرد توبه کننده به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.

توبه اجتماعی

اگر جامعه در برخی از ابعاد، از مسیر توحید و اطاعت خداوند خارج شد، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح، یعنی نیازمند توبه اجتماعی است.

انحراف‌های اجتماعی، باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شود تا گسترش نیابند. رباخواری، رشوه گرفتن، بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم پذیری از جمله این بیماری‌ها و انحرافات است.

مهم‌ترین راه اصلاح جامعه، انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند گناهان اجتماعی قوی‌تر و محکم‌تر می‌شوند و در تمام سطوح جامعه نفوذ می‌کنند. در واقع اگر مردم در برابر این گناهان حساسیت نشان داده و بکوشند جامعه را اصلاح کنند، به آسانی می‌توانند مانع گسترش گناهان شوند. اما اگر کوتاهی کرده و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد، اصلاح آن مشکل می‌شود و نیاز به تلاش‌های بسیار و فعالیت‌های اساسی دارد تا آنجا که ممکن است نیاز باشد انسان‌های بزرگی، جان و مال خود را تقدیم کنند، تا جامعه از تباهی پاک شود.

تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟

سراسر عمر، ظرف زمان توبه است. اما بهترین زمان برای توبه، دوره‌ای است که امکان توبه بیشتر و انجام آن آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. باید توجه کرد، دوره جوانی دوره انعطاف پذیری، تحول و دگرگونی و دوره پیری دوره کم شدن انعطاف و تثبیت خصلت‌هاست. اگر در جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آید و ماندگار شود، خارج کردن آنها در پیری، بسیار سخت و دشوار است. صفات ناپسند که در ما پدید می‌آیند، شبیه ریشه‌های نهالی هستند که در ابتدا نفوذ کمی در خاک دارد، اما هر قدر زمان می‌گذرد، نفوذ آن بیشتر می‌شود تا جایی که کندن آن درخت بسیار سخت دشوار می‌گردد.

سوالات درس هفتم

(۱) در حرکت به سمت رشد و کمال چه گام‌هایی را باید برداشت؟

(۲) انسان چگونه می‌تواند بر علیه تمایلات ناپسند خود قیام کند؟

۳) مقصود از انقلاب علیه خود چیست؟ کدام خود، علیه دیگری انقلاب می کند؟

۴) حقیقت توبه را تعریف کنید.

۵) چرا به توبه تخلیه و پیرایش می گویند؟

۶) آیا با توبه همه گناهان آمرزیده می شود؟

۷) در چه صورت، توبه گناهان را به حسنات تبدیل می کند؟

۸) آیا در هر زمانی امکان توبه وجود دارد؟

۹) آیا تکرار توبه امری مطلوب است؟

۱۰) چرا خداوند، کسی را که توبه را تکرار می کند دوست دارد؟

۱۱) شیطان از چه حيله هایی برای مانع شدن از توبه استفاده می کند؟

۱۲) شیطان چگونه انسان را از رحمت الهی نا امید می کند؟

۱۳) ابیات زیر به چه موضوعی اشاره دارد؟

باز آ باز آ هر آنچه هستی باز آ گر کافر و بت پرست و گبری باز آ

این درگه ما درگه نومیدی نیست صد بار اگر توبه شکستی باز آ

۱۴) به تاخیر انداختن توبه یا تسويف را توضیح دهید.

۱۵) با ذکر مثالی بنویسید، شیطان چگونه انسان را گام به گام به سوی گناه می کشاند؟

۱۶) توبه چه آثاری را به دنبال دارد؟ نام ببرید.

۱۷) چرا توبه کننده تلاش می کند دیگر به سراغ گناهانی که از آن توبه کرده است، نرود؟

۱۸) منظور از جبران حقوق الهی چیست؟

۱۹) منظور از جبران حقوق مردم چیست؟

۲۰) منظور از حقوق معنوی چیست؟

۲۱) توبه اجتماعی به چه معنایی است؟

۲۲) انحراف های اجتماعی را باید در چه مرحله ای اصلاح کرد؟ چرا؟

۲۳) مهم ترین راه اصلاح انحرافات اجتماعی چیست؟

۲۴) تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟ چرا؟

.....

درس هشتم

زندگی در دنیای امروز و عمل به احکام الهی

درسنامه

قرآن کریم، رمز سعادت و رستگاری ما را تزکیه نفس دانسته و می فرماید:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

به یقین هر کس خود را تزکیه کرد، رستگار شد.

پیام :

تزکیه نفس زمانی اتفاق می افتد که نفس ما از آلودگی ها پاک شود. این کار با توبه از گناهان آغاز می شود، اما برای تداوم پاک ماندن جان و دل انسان، می بایست علاوه بر توبه به دستوراتی که خداوند فرمان داده است عمل نمود دستورات، اخلاقی، عبادی، احکام و

نکته : تزکیه نفس با توبه (تخلیه و پیرایش) آغاز و تداوم آن با عمل به احکام است.

یگانه راه اطمینان

احکام و قوانین دین اسلام، علاوه بر اینکه:

*** زندگی سالم در دنیا را تضمین می کند * سعادت اخروی و ابدی را نیز تامین می نماید.**

بنابراین نمی توان بایدها و نبایدهای دینی را با قوانین بشری که اهداف محدود و کوچک دنیوی دارند، مقایسه کرد. مثلاً گفت: چرا خداوند برای فلان گناه چنین مجازاتی قرار داده است. زیرا که خداوند می داند آن گناه، مانع بزرگی بر سر راه سعادت و نعمت های ابدی است.

خداوند در قرآن کریم، نعمت هایی را به انسان معرفی کرده که در این دنیا قابل درک و توصیف نیست.

« هیچ کس نمی داند چه پاداش هایی که مایه روشنی چشم هاست برای آنها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می دادند. »

پیام :

در همین مورد خداوند به پیامبر (ص) می فرماید:

« برای بندگان نیکو کارم چیزهایی ذخیره کرده ام که نه چشمی دیده، و نه گوشی شنیده و نه به ذهن کسی
خطور کرده است. »

پیام:

بنابراین، زندگی دینی تنها شیوه مطمئن و قابل اعتمادی است که پیش روی هر انسان خردمند قرار دارد. هر
کس که نگران عاقبت کار خود است به روشنی در می یابد که تکیه بر خداوند و اعتماد به دستورات او هرگونه
نگرانی نسبت به آینده را از بین می برد.

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ
بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آیا آن کس که بنیاد (کار) خود را بر پایه تقوای الهی و خشنودی خدا نهاده، بهتر است، یا کسی که بنای خود
را بر لبه پرتگاهی در حال سقوط ساخته و با آن در آتش دوزخ فرو می افتد؟ و خداوند گروه ستمکاران را هدایت
نمی کند.

پیام:

تدبر در قرآن :

با تدبر در آیه بالا به سوال های زیر پاسخ دهید:

(۱) زندگی محکم و استوار، بر چه پایه هایی بنا می شود؟

(۲) مقصود از بنای زندگی بر لبه پرتگاه چیست؟

.....

(۳) چرا خداوند کسانی را که زندگی خویش را بر لبه پرتگاه بنا کرده اند ظالم نامیده است؟

.....

شایسته است در زمینه احکام دین به نکات زیر توجه داشته باشیم:

(۱) میان سعادت انسان در دنیا و جهان آخرت و بایدها و نبایدهای دین (احکام) ارتباط و هماهنگی برقرار است. بنابر این از هر راهی نمی‌توان به سعادت اخروی رسید، درست مانند رشد بدن در همین دنیا که فقط با تغذیه صحیح حاصل می‌شود، از این رو آن هدف بزرگ یک برنامه سازگار همراه با عزم قوی و استوار می‌خواهد.

(۲) هر دستور خداوند دلایل خاص خود را دارد که حکمت آن حکم نامیده می‌شود. گاهی ما حکمت برخی از دستورات خداوند را می‌دانیم و گاه نیز از آنها مطلع نیستیم. گاهی هم از علوم مختلف کمک می‌گیریم تا حکمت آن را به دست بیاوریم، این یک تلاش ارزشمند است، اما باید توجه داشته باشیم آنچه ما کشف می‌کنیم در برابر علم بی‌نهایت الهی بسیار ناچیز است، بنابراین نباید چنین بپنداریم که با فهمیدن یکی از حکمت‌های یک دستور الهی به همه حکمت‌های آن دستور پی برده‌ایم.

(۳) از آنجا که خداوند نصیحت گر حقیقی مردم و خواهان سعادت آنان است، به منظور پیشگیری از خطرات، هشدارهایی داده است تا مردم قبل از گرفتار شدن، آن خطرات را بشناسند و از آن دوری کنند. اما کسانی که از گسترش این خطرات سود می‌برند به ما می‌گویند چرا در اسلام این قدر حرام کردن رایج است. در حالی که می‌دانیم چنین نیست. مثلاً اسلام صدها نوع ورزش و بازی را حلال می‌شمارد و مردم را نه تنها به ورزش کردن تشویق می‌کند بلکه اگر ورزش به قصد آمادگی برای انجام وظایف الهی باشد آن را مستحب و دارای پاداش اخروی می‌داند. اسلام فقط ورزشی را که همراه با قمار یا زیان آور باشد، منع می‌کند. ممکن است همین منع کردن را هم برخی دوست نداشته باشند اما خداوند به ضررهای یک عمل نگاه می‌کند نه دوست داشتن یا نداشتن مردم.

« ... وبسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. »

پیام:

(۴) درست است که اسلام در هر دوره و زمانه‌ای قابل اجراست و هر قدر زندگی پیچیده‌تر شود نیازهای جدیدی پدید آید، فقها و مجتهدین می‌توانند احکام اسلامی را متناسب با آن شرایط استخراج کنند. اما این بدان معنا نیست که اگر جوامع بشری دچار انحراف شدند و خواسته‌ها و تمایلات مخالف با سعادت خود پیدا کردند، اسلام آن خواسته‌ها را بپذیرد و مطابق با آنها حکم کند. در طول تاریخ جوامعی بوده‌اند که منحرف شده‌اند اما پیامبر شان در مقابل آن انحراف ایستاده و با آنان مبارزه کرده است.

در زمانه ما هم انحرافاتى هست که دامنگير گروه زيادى از مردم دنيا شده، مثلاً در برخى کشورها قمار و شراب رايج شده است. اين دو عمل ميان مردم عرب قبل از اسلام نيز رايج بود و در اين راه، عده‌اى سود و منفعت مى‌بردند، وقتى تازه مسلمانان شنيدند که پيامبر (ص) به دستور خداوند اين دو عمل را حرام کرده است نزد ايشان آمدند و در اين باره از او سوال کردند. خداوند نيز اين آيه را نازل کرد:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا

از تو درباره شراب و قمار مى پرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ است. اما گناهشان بزرگ تر از منفعتشان است.

پيام:

.....

مسلمانان اين کلام خدا را پذيرفتند و آنها هم که اين کسب و کار را داشتند از منفعتى که برايشان داشت صرف نظر کردند تا مرتکب گناه نشوند. اما با روى کار آمدن بنى اميه و بنى عباس بار ديگر شراب و قمار در دربار آنها رواج پيدا کرد و به دنبال آن برخى از مردم نيز مرتکب اين دو عمل شدند.

قمار، علاوه بر اينکه

* يك کار بيهوده است و پول و ثروت مردم را در مسيرى که هيچ فايده‌اى براى جامعه ندارد به کار مى‌گيرد

* اين عمل ميان برنده و بازنده دشمنى به وجود مى‌آورد.

امروزه متأسفانه در برخى از کشورها از جمله آمريکا قمارخانه‌هاى بزرگ ساخته شده و گاه رئيس جمهور يك کشور خودش صاحب قمارخانه‌اى بزرگ است و از اين راه کسب ثروت مى‌کند، اما اين فراگيرى دليل نمى‌شود که اسلام آن را گناه محسوب نکند.

يکى ديگر از انحرافات قبل از اسلام که امروزه هم در برخى جوامع رايج شده، ارتباط جنسى خارج از چهارچوب شرع است. رايج شدن اين ارتباط، بازگشتى به دوران جاهليت است و بنيان خانواده را تزلزل مى‌کند. همانطور که در کشورهاى که اين قبيل روابط وجود دارد خانواده استحکام خود را از دست داده و فرزندان تک سرپرست فراوان شده‌اند.

قرآن کریم در همان زمان نزول که اين عمل فراوان بود در مقابل آن ايستاد و آن را گناه کبيره شمرد. اين حکم نه تنها براى ديروز بلکه براى امروز و فرداى انسان‌ها باقى است تا هيچگاه موقعيت خانواده متزلزل نشود و سلامت جسمى و روحى افراد به خطر نيفتد.

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا

به زنا نزدیک نشوید قطعاً آن عملی بسیار زشت و راهی ناپسند است.

پیام:

زندگی در شرایط ویژه

آری این سخن درست است که فرهنگ و تمدن امروزی بشر بر اساس دستورات الهی شکل نگرفته و بسیاری از عاداتها و رفتارها با دستورات دینی در تعارض است و این تعارض رعایت قوانین الهی را سخت کرده است، اما از آنجا که ایمان داریم این قوانین فرمانهای خداست، با اعتماد به نفس بالا و توکل بر او وارد عمل می‌شویم، در این صورت

* هم زمینه را برای آگاهی دیگران نسبت به اسلام فراهم می‌نماییم

* هم از اسلامان در صحنه عمل و زندگی دفاع می‌کنیم.

نحوه اجرای احکام اسلامی

(۱) عرصه فرهنگ و ارتباطات

فرهنگ روح حاکم بر جامعه و نشان دهنده هویت و شخصیت آن است. عناصر فرهنگی هر جامعه نشان دهنده درجه ارزشمندی و تعالی آن جامعه است. اعتقاد به خدا و یکتاپرستی، ایمان و اعتقاد به پیامبر الهی و اعتقاد به معاد و پایبندی به آن، معیارهای اصلی در تشخیص ارزشمندی فرهنگ جوامع است. توجه به عدالت، خردورزی علم و دانش، عفاف و پاکدامنی، دوری از شهوت و غضب و پایبندی به احکام و دستورات الهی، از معیارهای دیگر یک فرهنگ برتر است. احکام و قوانین اجتماعی اسلام باید به گونه‌ای تنظیم شود که سبب رشد و تقویت این معیارها شود.

از این رو :

(۱) تولید، توزیع، تبلیغ فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، لوح‌های فشرده، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌ها و انواع آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی و دارای پاداش اخروی بزرگ است.

نکته مهم : حق نشر، حق تکثیر یا کپی رایت، مجموعه‌ای از حقوقی است که به پدیدآورنده یک اثر در حوزه کارهای ادبی، سینمایی، موسیقی، عکاسی، نرم‌افزار طراحی‌های صنعتی و ... تعلق می‌گیرد. یکی از حقوق این است که، تنها پدیدآورنده آن اثر اجازه نشر و تکثیر آن را دارد و هرگونه استفاده و بهره‌برداری از اثر نیاز به دریافت اجازه از پدیدآورنده دارد. طبق نظر همه مراجع اگر تولید کننده یک اثر تکثیر و کپی آن اثر را جایز نداند، تکثیر آن حرام است خرید و استفاده از این آثار تکثیری نیز حرام می‌باشد.

(۲) ایجاد پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی به منظور اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی و مقابله با اندیشه‌های کفرآمیز و ابتذال اخلاقی مستحب است و در مواردی واجب کفایی، افرادی که توانایی علمی فنی و مالی آن را دارند باید به ایجاد آن مبادرت ورزند.

یکی از مهمترین ابزارهای کشورهای سلطه‌گر، وسایل ارتباطی از قبیل پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی، ماهواره‌ها و سایر رسانه‌های اجتماعی است. مرکز این وسایل ارتباطی در کشورهای نظیر آمریکا و صاحبان آنها سرمایه‌داران بزرگی هستند که معمولاً در دولت‌های خود نفوذ فراوان دارند و برای تسلط بر کشورها اقداماتی از قبیل : به دست آوردن اطلاعات محرمانه اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی کشورها و تجزیه و تحلیل آنها برای تصمیم‌گیری‌های دقیق علیه کشورهای مورد هدف را انجام می‌دهند.

از همین رو لازم است مانع سلطه رسانه‌ای و ارتباطی بیگانگان بر کشور شویم. بنابراین بر دولت اسلامی واجب است که زیرساخت‌های لازم برای پایگاه‌های ارتباطی بومی و داخلی را فراهم کند. بر ما نیز واجب است که حتی المقدور از وسایل ارتباطی داخلی بهره ببریم و مانع نفوذ و سلطه رسانه‌ای بیگانگان شویم.

(۳) استفاده از موسیقی، خواه سنتی و کلاسیک باشد و خواه غیر سنتی و مدرن، جایز و حلال است. فقط آن نوع موسیقی که بی بند و باری و شهوت را تقویت و تحریک می‌کند و مناسب مجالس لهو و لعب است حرام است. استفاده از ابزارها و آلات موسیقی برای اجرای سرودها و برنامه‌های فرهنگی مفید نیز حلال و جایز است.

(۴) تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها، لوح‌های فشرده و سایر رسانه‌هایی که دربردارنده تصاویر یا متونی هستند که موجب انحراف و فساد می‌شوند و یا دربردارنده موسیقی مطرب و مناسب مجالس لهو و گناه باشند از گناهان بزرگ شمرده می‌شود و خرید و فروش آنها حرام است. همچنین تماشا کردن و گوش دادن به آنها نیز حرام است.

(۵) شرکت در مجالس شادی مانند جشن عروسی، جشن‌های مذهبی و ملی جایز است و حتی اگر موجب تقویت صله رحم یا تبلیغ دین شود مستحب است، به شرط آنکه در این مجالس احکام دین مانند روابط میان محرم و نامحرم رعایت شود.

۲) عرصه ورزش و بازی

۱) دین اسلام از مسلمانان می‌خواهد برای سلامت و تندرستی خود بکوشند و از هر کاری که تندرستی را به خطر می‌اندازد دوری کنند. علاوه بر این خوب است هر مسلمانی بکوشد بدنی نیرومند داشته باشد تا در زندگی از سلامت برخوردار باشد و بهتر بتواند فعالیت کند و در هنگام خطر و مبارزه با دشمنان دین، پیروزمندانه عمل نماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام از دلاوران زمان خود بودند. البته قوی شدن بدن وقتی ارزشمند است که قوت بازو سبب تواضع و فروتنی انسان شود نه فخر فروشی بر دیگران.

۲) کسانی که برای تقویت رابطه صمیمانه میان خویشان و همسایگان و سلامت اخلاقی افراد خانواده برگزاری بازی‌ها و ورزش‌های دسته جمعی پیش قدم می‌شوند، از پاداش اخروی بهره‌مند خواهند شد.

۳) شرط‌بندی، از امور زیان آور روحی و اجتماعی است و انجام آن حتی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی نیز حرام می‌باشد.

۴) اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه فساد و بی‌بندوباری‌های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی است.

۳) عرصه اقتصاد

در عصر حاضر سبکی از زندگی اقتصادی که مبتنی بر تولید انبوه کالا و مصرف فراوان و نیز توجه به رفاه بیش از حد لذت‌های مادی است، در غرب رایج شده که سایر ملت‌ها را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

برای اینکه بتوانیم بر مشکلات اقتصادی ناشی از تمدن جدید و معضلات داخلی فائق شویم و در مسیر عدالت و رشد اقتصادی حرکت کنیم، لازم است موارد زیر را به دقت رعایت کنیم:

۱) مسئولین باید اقتصاد کشور را ه گونه‌ای مدیریت کنند که سه هدف زیر محقق شود :

اول استقلال اقتصادی و عدم سلطه و نفوذ بیگانگان

دوم پیشروی به سوی عدالت و قسط و کاهش فاصله طبقاتی

سوم حرکت به سوی آبادانی و عمران در عین دوری است دنیا زدگی و تجملگرایی

۲) بکوشیم که رزق و روزی حلال به خانه بیاوریم و از همه اموری که سبب ناپاک شدن وزی ما می‌شود مانند: تولید کالا با کیفیت پایین و فریبکاری در معامله خودداری کنیم تا هم آثار مثبت روزی حلال را در زندگی خود و تربیت فرزندان مشاهده کنیم و هم به اقتصاد کشور کمک نماییم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

« عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن کسب و کار حلال است. »

پیام:

۳) برای آشنایی با حلال و حرام در کسب و کار و تجارت باید با احکام تجارت آشنا شویم تا گرفتار کسب حرام نگردیم.

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

« یا معشر التجار، الفقه، ثم المتجر »

ای گروه تاجران و بازرگانان، اول یادگیری مسائل شرعی تجارت، سپس تجارت کردن.

پیام :

۴) بکوشیم که همه از کالای ایرانی استفاده کنیم و کالای مرغوب در اختیار مردم قرار دهیم. اگر مصرف کالاهای خارجی سبب وابستگی کشور شود واجب است، از خرید آن خودداری شود.

۵) اشرافیگری، تجملگرایی برخی مسئولین و فساد اداری و مالی یکی از مهم‌ترین عوامل عقب ماندگی اقتصادی و به وجود آمدن فاصله طبقاتی است که علاوه بر آثار منفی اقتصادی باعث بی‌اعتمادی عمومی و رواج تجملگرایی و مصرف گرایی در میان مردم می‌شود. بنابراین بر مسئولین و مدیران کشور واجب است که از این شیوه زندگی اجتناب کنند و با اسوه قرار دادن خود، دیگران را به سوی یک اقتصاد سالم دعوت کنند. مجموعه افراد جامعه باید با پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امر به معروف و نهی از منکر روابط اقتصادی را سالم نگه دارند.

بررسی

برخی می‌گویند ما از کالای ایرانی استفاده خواهیم کرد، به شرطی که بهتر یا هم ردیف کالای خارجی باشد. نظر شما در این باره چیست؟

.....

۶) از تخریب محیط زیست پیرامون خود جلوگیری کنیم. با توصیه به اطرافیان استفاده از سموم شیمیایی پلاستیک کاغذ و مانند آن را به حداقل برسانیم.

۷) ممکن است در محیط زندگی ما، مانند مدرسه، محله و محیط کار افرادی بی بضاعت زندگی کنند که زندگی تجملی دیگران غم و اندوه آنان را به دنبال داشته باشد. از این رو بهتر است از مدگرایی و تجمل در پوشش و سایر ابعاد زندگی دوری کرده و ساده زیستی پیش نماییم.

۷) امروزه کشورهای سلطه‌گر می‌کوشند تا از طریق برقراری روابط تجاری هدفمند کنترل اقتصادی سایر کشورها را به دست بگیرند و آنها را به خود وابسته نمایند و استقلال آنان را از بین ببرند. بنابراین بر دولت واجب است روابط اقتصادی با کشورها را به گونه‌ای تنظیم کند که آن کشورها نتوانند در مواقع خطر، کشور ما را تحت فشار قرار دهند.

۸) از آنجا که رژیم صهیونیستی سرزمین مسلمانان را به کمک انگلستان به زور تصرف کرده و در آنجا غاصبانه یک کشور تشکیل داده است، هر نوع تجارتی که به نفع این رژیم باشد همچون وارد کردن و ترویج کالاهایی که سرمایه‌داران این رژیم در آن شریک هستند، حرام است.

سوالات درس هشتم

۱) قرآن کریم رمز سعادت انسان را چه چیزی بیان می‌کند؟

۲) تزکیه نفس چه زمانی اتفاق می‌افتد؟

۳) چرا نمی‌توان احکام الهی را با قوانین بشری مقایسه کرد؟

۴) تنها شیوه قابل اعتماد برای زندگی انسان کدام است؟

۵) آیا از هر راهی می‌توان به سعادت اخروی دست پیدا کرد؟ چرا؟

۶) منظور از حکمت احکام چیست؟

۷) آیا انسان می‌تواند به حکمت احکام الهی دست پیدا کند؟

۸) اسلام چه نوع ورزشی را منع کرده است؟

۹) چه کسانی می توانند متناسب با شرایط روز احکام الهی را استخراج کنند؟

۱۰) برخورد اسلام با خواسته های جوامع بشری چگونه است؟

۱۱) چرا قمار در اسلام حرام است؟

۱۲) نظر اسلام در رابطه با ارتباط جنسی خارج از چارچوب شرع چیست؟ چرا؟

۱۳) چرا امروزه عمل به احکام الهی تا حدودی سخت شده است؟

۱۴) فرهنگ را تعریف کنید.

۱۵) معیار های ارزشمندی فرهنگ جوامع چیست؟

۱۶) سه مورد از معیار های یک فرهنگ برتر را بنویسید.

۱۷) جای خالی را با کلمات و عبارت های مناسب تکمیل کنید.

تولید اقلام فرهنگی به منظور گسترش معارف اسلامی و دارای است. تکثیر اقلام فرهنگی بدون کسب اجازه از صاحب اثر است. ایجاد شبکه های اجتماعی به منظور مقابله با اندیشه های کفر آمیز و در مواردی که افراد توانایی این کار را دارند است. فراهم کردن زیر ساخت برای ایجاد پایگاه های ارتباطی بر دولت اسلامی است. استفاده مردم حتی المقدور از پیام رسان های بومی است. استفاده از موسیقی است. استفاده از موسیقی مطرب است. استفاده از آلات موسیقی برای برنامه های فرهنگی است. تولید و توزیع و خرید و فروش آثار فرهنگی مبتدل است. همچنین تماشا و گوش دادن به آن است. شرکت در مراسم های شاد و اگر موجب صله رحم شود است. کسانی که برای تقویت رابطه صمیمانه اقدام به برگزاری بازی و ورزش های دسته جمعی کنند از بهره مند می شوند. شرط بندی در بازی برای دور کردن افراد جامعه از فساد است. عدم استفاده از کالاهای خارجی در صورت وابستگی است. اجتناب از تجمل گرایی برای مسولان و تجارت با رژیم صهیونیستی است.

درس نهم

پایه‌های استوار

درسنامه

از جمله برنامه‌های یک انسان مسلمان، مشارکت و تلاش او در ایجاد جامعه‌ای بر اساس معیارهای اسلامی است. از این رو لازم است ابتدا معیارهای یک تمدن اسلامی را که قرآن کریم و پیشوایان معرفی کرده‌اند

(۱) بشناسیم (۲) برای تحقق هرچه بهتر آنها در جامعه برنامه‌ریزی و تلاش کنیم.

گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام، نیازمند

(۱) تغییر در نگرش/انسانه (۲) تحولی بنیادین در شیوه زندگی فردی و اجتماعی مردم بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این رسالت بزرگ را از شهر مکه آغاز کرد و سپس با هجرت به مدینه و با کمک یاران خود پایه‌های یک جامعه دینی را بنا نهاد و حرکت به سوی تمدن اسلامی را آغاز کرد. مطالعه قرآن کریم و سیره آن بزرگوار ما را به برخی از معیارهای تمدن مورد نظر اسلام می‌رساند.

معیارهای تمدن اسلامی

معیار اول : توحید محوری

معیار دوم : آخرت گرایی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از همان ابتدای دعوت مردم را به یکتاپرستی دعوت کرد و فرمود: ای مردم بگویید معبودی جز الله نیست تا رستگار شوید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در کنار دعوت به توحید افق نگاه انسان‌ها را از محدوده زندگی دنیایی فراتر برد و آنان را با زندگی در آخرت آشنا کرد.

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
پیام:

معیار سوم : پذیرش ولایت خدا و پیامبر و اولی الامر

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به رسالت برانگیخته شده بود تا جامعه‌ای بنا نهد که در آن جامعه به جای حکومت ستمگران ولایت الهی حاکمیت داشته باشد و نظام اجتماعی بر پایه قوانین و دستورات الهی استوار گردد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ

پیام:

این معیار یکی از دلایل تشکیل حکومت اسلامی است. همچنین گزارشی از خلفای بنی امیه و بنی عباس ارائه گردید و مشخص شد که آنان از دایره ولایت الهی خارج شدند و آنان نه بر اساس دستورات الهی بلکه بر اساس امیال خود حکومت می‌کردند.

معیار چهارم : عدالت محوری

یکی از مهم‌ترین اهداف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برپایی جامعه‌ای عدالت محور بود. به طوری که در آن

* مظلوم بتواند به آسانی حق خود را از ظالم بستاند * امکان رشد برای همه انسان‌ها فراهم باشد

نه اینکه نعمت‌ها و ثروت‌های زمین در انحصار گروهی محدود باشد. پیامبر (ص) از هر فرصتی برای رفع تبعیض‌های طبقاتی و برقراری فرهنگ برابری و مساوات در جامعه، کمال استفاده را می‌نمود. به طور مثال

به مردم می‌فرمود: « برترین جهاد، سخن حق است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد. »

پیام:

از اهداف مهم پیامبر برپایی جامعه‌ای عدالت محور بود که این امر با نفی طاغوت امکان پذیر است. قرآن کریم در آنجا که اوصاف نمازگزاران را بیان می‌کند، یکی از ویژگی‌های آنها را اینگونه ذکر می‌کند که آنان در مال خود برای محرومان و فقیران نیز حق معینی قرار داده‌اند. و آنجا که می‌خواهد تکذیب کنندگان دین را معرفی کند از کسانی یاد می‌کند که یتیمان را از خود می‌رانند و دیگران را به اطعام مسکین تشویق نمی‌نمایند. رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و بیانات قرآن کریم فضایی به وجود آورد که در آن، فاصله طبقاتی بی‌توجهی به محرومان زشت شمرده می‌شد و مساوات و قسط ارزشی والا تلقی می‌گردید.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أُنْزِلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

وضعیت این معیار در دوره تمدن اسلامی

با توجه به پیام‌های مکرر قرآن کریم و سیره و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا مدتی پس از ایشان توجهی به این معیار نمی‌شد. مثلاً در هنگام مواجهه سپاه مسلمانان با سپاه ساسانیان گفتگویی میان رستم فرخزاد فرمانده سپاه یزدگرد سوم با فرمانده سپاه مسلمانان رخ داد. رستم فرخزاد که مردی جهان دیده و با تجربه بود، وقتی با سپاه مسلمان برخورد کرد، شب هنگام سوار بر اسب روی تپه‌ای رفت و به ارزیابی آن لشکر پرداخت. با وجود اینکه لشکر مسلمانان را اندک دید اما دچار اضطراب عجیبی شد و پیکی بسوی زهره بن عبدالله فرمانده لشکر مسلمانان فرستاد و وی را به مذاکره دعوت کرد.

رستم گفت درباره دین خود سخن بگو.

زهره پاسخ داد پایه آن دو چیز است، گواهی به یگانگی خدا و رسالت محمد (ص)

رستم گفت اینکه عیبی ندارد دیگر چه؟

زهره ادامه داد، آزاد ساختن بندگان خدا از بندگی انسان‌ها به سوی بندگی خداوند. رستم گفت این هم خوب است. دیگر چه چیزی؟

زهره گفت مردم همه از یک پدر و یک مادر زاده شده‌اند و همه برادر و خواهر یکدیگرند.

رستم گفت: اگر ما اینها را بپذیریم، شما باز خواهید گشت. زهره پاسخ داد آری، قسم به خدا به سرزمین‌های شما مگر برای تجارت قدم نمی‌گذاریم. رستم گفت راست می‌گویی اما در میان مردم ما سنتی از زمان اردشیر رایج شده که با دین شما سازگار نیست. کشاورز و پیشاور، حق ندارند به طبقه بالاتر روند و از امتیازات آن برخوردار شوند. زهره گفت: پس ما برای مردم بهتر از دیگر حکومت‌ها هستیم. ما عقیده داریم که باید امر خداوند را در مورد همه طبقات رعایت کنیم.

معیار پنجم: ارتقاء جایگاه خانواده و توجه به منزلت زن

یکی دیگر از اهداف مهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ارتقاء جایگاه خانواده به عنوان کانون رشد و تربیت انسان‌ها و مانع اصلی فساد بود. احیای منزلت زن از عناصر اصلی این برنامه به شمار می‌رفت، در آن عصر زن همچون کالا تلقی می‌شد و در بسیاری از اقوام از کمترین حقوق فردی و اجتماعی حتی حق مالکیت برخوردار نبود. تولد دختر در خانواده سرافکنده‌گی آن خانواده را به دنبال داشت. در چنین شرایطی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با گفتار و رفتار خویش انقلابی عظیم در جایگاه خانواده و زن پدید آورد. آن حضرت به یاران خود می‌فرمود:

« هیچ مردی نیست که زنی از محارم خود را شاد کند، مگر آنکه خداوند، روز قیامت او را شاد خواهد کرد. »

پیام:

وقتی به ایشان می‌گفتند، کسی دختر دار شده است، می‌فرمود:

« دختران چه فرزندان خوبی هستند، سرشار از لطف، آماده کمک به پدر و مادر، انس گیرند، باعث برکت و ریزبین و هنرمند و ظریف کار. »

پیام:

رفتار ایشان با دختر شأن، حضرت فاطمه سلام الله علیها برای جامعه آن روز و نیز امروز بسیار آموزنده است به طور مثال، خانه حضرت فاطمه و خانه پدر کنار یکدیگر بود. بین این دو خانه یک حیات کوچک قرار داشت که خانه پدر و دختر را به یکدیگر مرتبط می‌ساخت. هر صبح پدر به دخترش سلام می‌کرد. هرگاه قصد سفر داشت در منزل فاطمه سلام الله علیها را می‌زد و با او خداحافظی می‌کرد. هرگاه نیز که از سفر برمی‌گشت، فاطمه سلام الله علیها اولین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سراغش می‌آمد و حال او را می‌پرسید. پیامبر همواره دست دخترش را می‌بوسید و درباره او می‌فرمود:

بهترین زنان جهان ۴ نفر هستند، مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه

خداوند از خشنودی فاطمه خوشنود و از خشمش به خشم می‌آید.

فاطمه پاره تن من است، هر که او را بیازارد، مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرده است.

به طور کلی در خانواده پیامبر زنان پا به پای مردان تاریخ را رقم زده‌اند. خدیجه حامی بزرگ پیامبر در دوران اولیه بعثت فاطمه (س) همراه پدر و حامی بزرگ همسرش علی (ع) زینب (س) در کنار برادر و پیام رسان نهضت عاشورا.

در عین حال این خانواده الگوی تمام عیار عفاف حیا و پوشش اسلامی بودند تا به دیگر مومنین بیاموزند که توجه به مقام و منزلت زن به معنی نگاه ابزاری به او و متزلزل ساختن بنیان خانواده نیست.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

پیام:

وضعیت این معیار در دوره تمدن اسلامی

با توسعه سرزمین‌های اسلامی و شکل‌گیری حکومت‌هایی که پیامبر و یارانش را سرمشق خود قرار نمی‌دادند، بار دیگر برخی از رفتارهای جاهلی نسبت به زن پدیدار شد. حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس، حرمسرا تشکیل دادند و زنان زیادی را به دربار خود آوردند و حقوق الهی آنان را نادیده گرفتند. با وجود این، موقعیت زن و خانواده در تمدن اسلامی، بسیار برتر از موقعیت زن در اروپا و سایر مناطق جهان بود. زنان حق مالکیت داشتند، دسترنج آنها به خودشان تعلق داشت به همین جهت می‌توانستند ثروت خود را وقف امور عام‌المنفعه کنند. سیاری از موقوفه‌های قدیمی کشور ما، مربوط به زنان خیری است که ثروت خود را وقف امور خیریه کرده‌اند. تحصیل برای زنان آزاد بود و اندیشمندان بزرگی از زنان در جهان اسلام پیدا شدند. قرآن کریم اصولاً تلقی درجه دوم بودن زن را به شدت نفی کرد. با اینکه در اروپا زن را بر اساس تورات، موجود درجه دوم تلقی می‌کردند. آیات قرآنی با این نگاه مبارزه کرد.

معیار ششم: خردورزی و عقل‌گرایی

رسول خدا (ص) دعوت خود را در جامعه جاهلی آغاز کرد که نشانه‌هایی بسیار اندک از تعقل و تفکر و دانایی داشت. آن جامعه سرشار از خرافات و جهل بود. شعر می‌سرودند، اما برای شراب، شکار، غارت، عشق حیوانی، بت‌پرستی. برای آمدن باران، آتش می‌افروختند. شتر سالم را با آهن حرارت دیده داغ می‌زدند تا شتر دیگری که مریض بود بهبود یابد. گفته‌اند در میان این مردم فقط ۱۷ نفر بودند که خواندن و نوشتن می‌دانستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلم آمد تا این جامعه را متحول کند و مردم را به سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد. اولین آیاتی که بر رسول خدا (ص) نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، درباره دانش و آموختن بود. دعوت به تفکر، تعقل، تدبیر، خردورزی، در جای جای این کتاب آسمانی مشاهده می‌شود.

* نزول تدریجی آیات قرآن و دعوت مکرر این کتاب به خردورزی و دانش از یک طرف،

* تشویق‌های دائمی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از طرف دیگر،

سد جاهلیت و خرافه‌گرایی را شکست و یکی از جاهل‌ترین جوامع آن روز را مشتاق علم ساخت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها همه را دعوت به علم آموزی کرد، بلکه آموختن علم را برای مردم واجب دانست و فرمود: « طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است. »

پیام :

آن حضرت روزی به یارانش فرمود: «کسی که دوست می‌دارد نگاهش به چهره کسانی افتد که از آتش دوزخ در امانند، به جویندگان علم بنگرد. سوگند به کسی که جان من در دست قدرت اوست، هر شاگردی که برای تحصیل علم به خانه عالمی رفت و آمد کند، در هر گامی، ثواب و پاداش عبادت یک ساله عابد برای او منظور می‌گردد و برای هر قدمی که در این مسیر می‌نهد، شهرآبادی در بهشت برای او آماده می‌سازند. بر روی زمین که راه می‌رود زمین نیز برای او طلب آمرزش می‌کند.»

پیام :

به این واقعه توجه کنید که هم بیانگر منزلت علمی و بینش روشن حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است و هم توجه به معرفت و تفکر را نشان می‌دهد.

زنی نزد فاطمه زهرا سلام الله علیها آمد و گفت: مادری دارم که در باب نماز سوال‌هایی دارد اما به علت بیماری مرا نزد شما فرستاد تا آن سوال‌ها را مطرح سازم. حضرت فاطمه سلام الله علیها به پرسش‌های آن زن پاسخ داد. زن از این فرصت مناسب استفاده کرد و سوال دیگری را مطرح ساخت، آن حضرت پاسخ آن را نیز بیان فرمود. همین گونه آن زن پرسش‌های متعددی را در میان گذاشت و حضرت به تمام سوالات، جواب‌های لازم را می‌داد تا تعداد سوال‌ها به ۱۰ رسید. زن از کثرت سوال‌ها شرمند شد و گفت: بیش از این مزاحم شما نمی‌شوم، حضرت زهرا سلام الله علیها در حالتی که نشان می‌داد هیچ منتی بر او ندارد فرمود:

هر سوالی که به نظرت می‌آید بپرس، و سپس برای تشویق وی فرمود: اگر فردی در مدت یک روز باری سنگین را به دوش کشیده و آن را به بالای بام حمل کند و در ازای آن حق الزحمه‌ای معادل ۱۰۰۰ سکه طلا دریافت کند، با توجه به این مزد آیا این کار برای او سخت خواهد بود.

زن پاسخ داد، خیر، حضرت فرمود: من هم کارگزارم و خود را خادم خداوند قرار داده‌ام، مزد من در برابر هر سوالی که پاسخ دهم از مجموع مرواریدهایی که فاصله میان زمین و آسمان را پر کند بیشتر است، پس سزاوار است که از پرسش‌های تو احساس زحمت نکنم.

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ

پیام :

وضعیت این معیار در دوره تمدن اسلامی

تلاش پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان، ما سبب علاقه مسلمانان به علم و دانش شد، به طوری که توجه نیاکان ما به اندیشه و تفکر و ارزشمندی علم، روزافزون شد و ثمرات آن در تمدن اسلامی مشاهده گردید.

مثلاً نیاکان ما در جهان اسلام توانستند، علوم و دانش بشری را از چند شاخه محدود به ۵۰۰ شاخه برسانند و این به معنای توسعه زیاد علم بود. شوق و علاقه آنان به دانش سبب شد که در بسیاری از شهرها، در کنار هر مسجد، درسه‌ای نیز بنا کنند.

یکی از بزرگترین دانشمندان در تمدن اسلامی ابن سینا بود که به حق آثار وی یکی از عوامل اصلی تحول اندیشه در اروپا و توجه بیشتر اروپاییان به تفکر فلسفی و دانش طبیعی محسوب می‌شود. کتاب شفای بوعلی یک دایره المعارف در منطق، ریاضیات، علوم طبیعی و فلسفه است و بخش فلسفی آن هنوز هم مهم‌ترین کتاب‌های فلسفی جهان محسوب می‌شود.

ملاصدرا فیلسوف بزرگ اسلامی درباره هماهنگی میان دین و تفکر عقلی می‌گوید:

نمی‌شود قوانین این دین بر حق الهی که چون خورشید روشن و درخشان است با دانش استدلالی یقینی مخالفت داشته باشد. نیست باد آن فلسفه‌ای که قوانینش با کتاب قرآن و سنت مطابقت نداشته باشد.

در تمدن اسلامی، در قرون اولیه، در امور مربوط به بهداشت و سلامتی، وضع مسلمانان بسیار درخشان بود. اگر شرایط قبل از اسلام را در نظر بگیریم یا اوضاع دوره شکوفایی تمدن اسلامی را با اروپا که هنوز حتی با حمام آشنا نبودند مورد توجه قرار دهیم، در می‌یابیم که چگونه دستورات ساده‌ای، مانند وضو و غسل و دیگر آموزه‌های بهداشتی اسلام مانند طهارت و نجاست و نیز دستورات پیشوایان دین در مورد سلامتی و درمان، دنیای اسلام را متحول کرد.

یکی از ویژگی‌های فرهنگ علمی دوره اسلامی، منحصر نبودن تحصیل علم به طبقه یا قشری خاص بود. در زمان پیامبر زنان به حضور ایشان می‌رسیدند و سوال‌های علمی خود را طرح می‌کردند. حضرت فاطمه سلام الله علیها یک کلاس علمی تشکیل داده بود و زنان مدینه برای علم آموزی در آن شرکت می‌کردند. برخی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یز جزو راویان حدیث به شمار می‌روند.

سوالات درس نهم

۱) چرا بر یک مسلمان لازم است، معیارهای تمدن اسلامی را که قرآن و پیشوایان معرفی کرده اند، بشناسد؟

۲) گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام، نیازمند چه چیزی است؟

۳) رسول خدا برانگیخته شد تا چه جامعه‌ای را بنا نهد؟

- ۴) خلفای بنی امیه و بنی عباس بر چه اساسی حکومت می کردند؟
- ۵) چرا از مهم ترین اهداف پیامبر اکرم(ص)، برپایی جامعه ای عدالت محور بود؟
- ۶) بر اساس سخن پیامبر اکرم(ص)، برترین جهاد چیست؟
- ۷) قرآن کریم، از مهم ترین ویژگی نماز گذاران، چه چیزی را بیان می کند؟
- ۸) قرآن کریم، چه کسانی را از تکذیب کنندگان دین معرفی می کند؟
- ۹) در عصر جاهلیت، زن چه جایگاهی داشت؟
- ۱۰) پیامبر اسلام(ص)، چگونه جایگاه زنان را ارتقا داد؟
- ۱۱) با توسعه سرزمین های اسلامی و شکل گیری حکومت هایی که پیامبر را الگوی خود قرار نمی دادند، وضعیت زنان در جامعه اسلامی چگونه بود؟
- ۱۲) در دوره تمدن اسلامی، زنان از چه جایگاهی برخوردار شدند؟
- ۱۳) چرا در دوره تمدن اسلامی، بسیاری از موقوفه ها به زنان تعلق دارد؟
- ۱۴) براساس آموزه های تورات، زن چه جایگاهی دارد؟ نظر قرآن در این باره چیست؟
- ۱۵) رسول خدا(ص) دعوت خود را از چه جامعه ای آغاز کرد؟ دو ویژگی شاخص آن جامعه را بنویسید.
- ۱۶) پیامبر اکرم(ص)، چگونه سد جاهلیت و خرافه گرایی را شکست داد؟

(۱۷) با استناد به سخنی از پیامبر اکرم(ص) بنویسید، اسلام چگونه به علم و علم آموزی تاکید دارد؟

(۱۸) تلاش پیامبر و پیشوایان دینی چگونه به گسترش علم در تمدن اسلامی کمک کرد؟

(۱۹) چه عواملی سبب شد که وضع بهداشت مسلمانان، نسبت به دوره قبل از اسلام و اوضاع آن زمان اروپا، بهتر باشد؟

(۲۰) ملاصدرا، درباره هماهنگی میان دین و تفکر عقلی، چه سخنی دارد؟

(۲۱) در دوره اسلامی، کسب علم اختصاص به قشر خاصی داشت؟

(۲۲) شش نمونه از معیار های تمدن اسلامی را نام ببرید.

درس دهم

تمدن جدید و مسئولیت ما

درسنامه

در درس قبل گزارش کوتاهی از تمدن اسلامی داده شد و با مراجعه به معیارهایی که از قرآن و سیره آموخته بودیم به ارزیابی این تمدن و کشف دلایل پیشرفت و سپس اقول آن پرداختیم در این درس بر **تمدن جدید** مروری میکنیم تا این تمدن را با **معیارهای الهی ارزیابی کنیم** با این ارزیابی می توانیم به **نقاط قوت و ضعف** این تمدن بیشتر پی ببریم و نحوه زندگی در آن را بهتر شناسایی کنیم و مسئولیت خود را در مواجهه با آن بدانیم.

اروپا تاکنون حداقل **سه تمدن بزرگ** بوده است که آخرین آن یا همان تمدن جدید، تقریباً تمامی جوامع جهان امروز را تحت تأثیر خود قرار داده است و آثار آن در عرصه های مختلف فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و.... به خوبی نمایان است. این تمدن مانند هر تمدن دیگری، دارای **نقاط قوت و ضعف** است. آشنا شدن با این نقاط قوت و ضعف از **دو جهت** برای ما مطلوب است.

اول آنکه ما مسلمانان مانند سایر ملت ها با این تمدن ارتباط مستقیم داریم، بنابراین، هم تحت تأثیر آن قرار میگیریم و هم میتوانیم بر آن اثر بگذاریم هر قدر آگاهی و هوشیاری ما بیشتر باشد، قدرت تأثیر گذاری ما بیشتر خواهد بود.

دوم آنکه بررسی ضعف ها و قوت های این تمدن در عرصه های مختلف این کمک را به ما می کند که در راستای احیای تمدن اسلامی از نقاط قوت این تمدن بهره مند شویم و با عبرت گرفتن از ضعف ها و آسیب های آن بتوانیم برنامه ریزی درست و کم اشتباهی را برای سامان دهی تمدن اسلامی داشته باشیم. در ابتدا برای آشنایی هر چه بیشتر با این تمدن لازم است تا با برخی علل و ریشه های شکل گیری آن آشنا شویم.

زمینه های پیدایش تمدن جدید

(۱) کلیسا و تعالیم تحریف شده

تمدن دوم اروپا که به تمدن دوره قرون وسطی مشهور است با کنار گذاشتن اعتقادات باستانی و بت پرستی و روی آوردن به مسیحیت آغاز شد. این تمدن برای اروپایی که قرن ها گرفتار بت پرستی بود، یک حرکت رو به جلو محسوب می شد. با ظهور این تمدن مردم بت پرست اروپا به یک دین الهی معتقد شدند، بت ها و بتخانه ها از بین رفت اتحاد در سرزمین اروپا حاکم شد، بناهای باشکوه مذهبی ساخته شد. کتابهایی در اخلاق معنویت و فرهنگ نگارش یافت و آثار هنری بزرگی پدید آمد.

اما از سوی دیگر مبلغان مسیحی اعتقادات نادرستی را که از نظر خودشان اعتقادات رسمی مسیحیت بود. تبلیغ می کردند. آنان معتقد بودند :

*آدم در بهشت اولیه مرتکب گناه شده است و این گناه به فرزندان آدم نیز سرایت کرده و هر کسی با گناه اولیه به دنیا می آید. بنابراین هر کودکی پس از تولد باید غسل ویژه ای (غسل تعمید) داده شود تا از آن گناه پاک گردد.

* همچنین اعتقاد داشتند که مسیح نیز خود را به عنوان تاوان گناهان بشریت فدا کرد و به دار آویخته شد.

* اعتراف به گناهان خود در حضور کشیش آیین دیگری بود که توسط این مبلغین میان مسیحیان رواج یافت برای این کار اتاق ویژه ای در کلیسا ساخته شد که محل اعتراف و توبه کردن بود. آنان معتقد بودند که با اعتراف گناهکار در برابر کشیش تو به کننده آمرزیده می شود و عفو ابدی را به دست می آورد.

* عبادت و رازونیز با خدا نیز به روز معینی در هفته و در محل کلیسا و در حضور کشیشان اختصاص یافت.

این گونه آیینها سبب

(۱) سست شدن ارتباط شخصی و پیوسته انسان با خدا

(۲) واسطه قرار گرفتن کشیشان میان خدا و بندگان/اوگردید.

بسیاری از کشیشان در این دوره شروع به فروختن بهشت کردند و در عوض بخشش گناه پول های کلان به دست آوردند.

* آیین دیگر ازدواج مسیحی بود. آنان معتقد بودند که پس از ازدواج، امکان جدایی زن و شوهر نیست و پیوندشان باید ابدی باشد. زن حق مالکیت ندارد و باید نام خانوادگی وی به نام خانوادگی شوهر تغییر یابد. کشیش ها حق ازدواج نداشتند و تا آخر عمر باید مجرد می ماندند. آنان ازدواج را امری دنیایی و پست تلقی می کردند.

* پذیرش عقاید رهبران کلیسا درباره هر موضوعی حتی موضوعات علمی، ضروری بود و مخالفت با آن کفر تلقی می شد.

* به عقل و عقلانیت کمتر توجه میشد و این اعتقاد وجود داشت که تعقل با ایمان سازگاری ندارد و سبب تزلزل ایمان میشود.

* از آنجا که رهبران کلیسا نظریات دانشمندان گذشته درباره زمین، خورشید، ستارگان و مانند آن را پذیرفته بودند مخالفت با آن نظریات را مخالفت با دین مسیح می پنداشتند و مانع نشر نظریات جدید می شدند.

این آیین ها و اعتقادات و آداب و رسوم ساخته کلیسا به تدریج اروپا را با فساد، عقب ماندگی و مشکلات دیگر دست به گریبان کرد. برخی از رهبران روشنفکر کلیسا و بسیاری از دانشمندان به دنبال جاره برآمدند و برای رسیدن به راه حل مناسب به مطالعه و تحقیق دست زدند.

(۲) بهره گیری از تجربیات سایر تمدن ها

حدود قرن هفتم میلادی و در اواسط قرون وسطی در همسایگی سرزمین اروپا، تمدن اسلامی متولد شد و طی دو تا سه قرن به مرحله شکوفایی رسید و بر محیط های پیرامون خود پرتو افکند. وقتی اندیشمندان و دلسوزان اروپایی آشنایی اندکی با تمدن مسلمانان پیدا کردند. با شور و شوق فراوان برای تحول در جامعه خود

از ثمرات تمدن اسلامی بهره برداری نمودند.

کتاب های دانشمندان مسلمان به سرعت ترجمه شد.

علاقه به پژوهش و آزمایش و تجربه افزایش یافت.

نقد رهبران کلیسا شروع شد.

حقوق و قانون مورد توجه واقع گردید.

خردورزی در دستور کار قرار گرفت.

نمونه

مونتگمری وات اسلام شناس انگلیسی در خصوص تأثیرپذیری تمدن جدید از تمدن اسلامی می گوید :

«علم و فلسفه در اروپا بدون کمک گرفتن از فرهنگ اسلام توسعه نمی یافت... اسلام نه تنها در تولیدات مادی و اختراعات اروپا شریک است بلکه اروپا را واداشت تا تصویر جدیدی از خود داشته باشد. اما از آنجا که اروپا در حال حاضر علیه اسلام عکس العمل نشان می دهد، تأثیر مسلمانان بر تمدن غرب را بی اهمیت جلوه میدهد. وظیفه مهم ما اروپاییان این است که این اشتباه را اصلاح کنیم و به مدیون بودن عمیق خودمان به جهان اسلام اعتراف کنیم.

ویل دورانت نیز بسیاری از هنرها و فنون برجسته اروپایی همچون معماری، اسلحه سازی و ... را مدیون صنعتگران مسلمان می داند.

آثار و پیامدهای مثبت و منفی تمدن جدید در حوزه علم

آثار مثبت :

۱) رشد سریع علم : تولید علم در قرون اخیر جهشی فوق العاده داشته است ، به طوری که دوران جدید را می توان دوران علم نامید. اختراع صنعت چاپ، کشف الکتریسیته، ساخت ماشین اختراع وسایل ارتباطی مانند : تلفن رادیو تلویزیون و ماهواره، راه اندازی شبکه های اینترنت نظریات و کشفیات جدید در علوم مختلف زندگی در جهان امروز را متحول کرده است.

توانایی بهره مندی بیشتر از طبیعت : علم و تکنولوژی سبب شد که آدمی بتواند در طبیعت تصرف ۱) فوق العاده کند و تغییراتی را در آن به وجود آورد. نفت را از اعماق زمین بیرون بکشد، معادن را استخراج کند. کوه ها را برای ساختن تونل بشکافد با سدهای بزرگ آنها را مهار نماید و قدرت و توانایی خود را به رخ طبیعت بکشد.

آثار منفی:

(۱) مصرف زدگی : از زمانی که ماشین آلات صنعتی ساخته شد، تولید انبوه نیز آغاز گردید. تولید فراوان گرچه در ابتدا نیازهای طبیعی مردم را رفع می کرد اما در بسیاری از موارد بیش از نیاز طبیعی بازار بود. به همین جهت کارخانه داران با استفاده از جاذبه تبلیغات در مردم نیازهای کاذب به وجود آوردند تا آنان را به تنوع طلبی بکشانند و مصرف گرایی را به گونه ای سرسام آور افزایش دهند تا خودشان به سود بیشتری برسند.

جدی ترین آسیب این رویه تغییر الگوی زندگی و دل مشغولی دائمی مردم به کالاهای گوناگونی است که همه روزه وارد بازار می گردد و اذهان و افکار را به خود مشغول می کند و در نتیجه انسان را از اساسی ترین نیاز خود یعنی پرورش و تکامل بعد معنوی و متعالی خویش غافل می سازد.

این نتیجه دیدگاه غالب و حاکم در تمدن جدید است که انسان را صرفاً یک موجود زنده طبیعی مانند دیگر موجودات ولی پیچیده تر می داند که همچون سایر موجودات صرفاً نیازهای مادی و طبیعی دارد. از همین جهت است که از توجه به بعد معنوی و فطرت الهی در این تمدن خبری نیست.

(۲) نابودی طبیعت : افزایش توان علمی بشر و دستیابی وی به ابزارهای نوین توانایی وی برای بهره برداری از منابع طبیعی را به سرعت افزایش داد و به تخریب ساختار طبیعی محیط زیست انجامید. منابع معدنی که نتیجه میلیونها سال فعالیت موجودات بوده رو به پایان گذاشته محیط دریاها و اقیانوسها آلوده شده تعادل ترکیبی گازهای جوی بر هم خورده بسیاری از جنگل ها از بین رفته و ده ها بحران زیست محیطی برای انسان به وجود آمده است.

(۳) علم زدگی : از حدود قرن هجدهم میلادی به علت پیشرفت های گسترده در علم، این احساس دید آمد که علم تجربی تنها رمز سعادت ملتها است و جامعه ای که این راه را بپیماید. کلید خوشبختی را به دست آورده است. اما اکنون با گذشت چند قرن و شکست های بی در بی جوامع غربی در عرصه اخلاق و ظهور بحران های اخلاقی در این جوامع، بسیاری دریافتند که علم تجربی نمی تواند پاسخگوی همه نیازهای آنان باشد و نمی توان سعادت را تنها در این علم جست و جو کرد.

این نیاز انسان غربی به معنویت باعث شد برخی افراد و گروه ها با هدف کسب مقام و شهرت مکاتب و فرقه هایی را به نام مکاتب عرفانی و معنوی ایجاد کنند که اگرچه در ظاهر ادعای پاسخ به نیازهای معنوی بشر را دارند اما به دلیل آنکه برآمده از آموزه های وحیانی نیستند، نتیجه ای جز سردرگمی برای بشر نداشته امروز نداشته اند.

مسئولیت ما در حوزه علم

گفتیم آشنایی با آثار مثبت و منفی تمدن جدید می تواند ما را در احیای تمدن اسلامی بازی رساند. شاید در نگاهی ابتدایی این هدف بزرگ یعنی احیای تمدن اسلامی، در مقایسه با توان و امکانات موجود یک بلندپروازی به نظر برسد و رسیدن به آن دور از دسترس تلقی شود؛ اما این یک دریافت سطحی از توانمندی ذاتی انسان و قدرت جوانان و ناشی از عدم آشنایی با آموزه های بیدار کننده اسلام می باشد. البته می دانیم که دستیابی به این هدف بزرگ نیازمند برنامه ای است که ما را به آن سطح لازم از توانمندی برساند و قدرت لازم را برای ایفای نقش در جهان کنونی به ما ببخشند.

با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ برنامه هایی را پیشنهاد میکنیم این برنامه ها را بررسی کنید و تا آنجا که در توان دارید برای عمل کردن به آنها بکوشید.

۱) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری

پیشرفت علمی :

الف) پایه های استقلال یک ملت را تقویت میکند.

ب) مانع تسلط بیگانگان می شود.

مقام معظم رهبری در این باره این گونه تذکر می دهند : (باید علم را که مایه اقتدار ملی است همه جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بهره باشند هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت نمی شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم درون جوش و درون ز است. باید استعداد های یک ملت به کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه عالم بشود.)

پیشرفت های اخیر دانشمندان جوان کشور ما در رشته های مختلف علمی، مانند پزشکی و سلول های بنیادی، فناوری نانو و هسته ای صنایع نفت، پتروشیمی و سدسازی قدم های اولیه ای است که باید با همت بلندتر و عزم قوی تر ادامه یابد و همه عرصه های دانش را بپیماید.

۲) حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی

جوامع غربی به دلیل آنکه خوشبختی را تنها در ابزارهای مادی می جستند و در این مسیر شکست خورده اند به شدت به دنبال راه و مکتبی هستند که نجات بخش آنان باشد. پیام اسلام پیامی مطابق با فطرت انسان هاست. هر انسان روشن ضمیری که جوای حقیقت باشد، وقتی دعوت قرآن را به عقلانیت، عدالت، دوری از

ستمگری و ستم پذیری، پاکدامنی، معنویت و تقوا می شنود به طور طبیعی جذب آن می شود. هر حقیقت جویی، وقتی در میان هزاران کتاب، مقاله، فیلم و انواع تبلیغات که علیه پیامبر اکرم کرده اند، به سیمای واقعی آن حضرت می رسد او را به بزرگی روح می ستاید. بنابراین لازم است ما این پیام رهایی بخش را با همان شیوه هایی که رسول خدا به دیگران رساند در جهان تبلیغ کنیم و به دیگران برسانیم.

۳) ترسیم چهره عقلانی و منطقی دین اسلام

میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. حق را نمی توان با روشهای نادرست به دیگران رساند. دین اسلام یک دین منطقی و استدلالی است و هر آموزه و حکم آن بر اساس حکمت الهی تنظیم شده است. چنین دینی را نمی توان یا تعصب های جاهلانه با روشهای فریب کارانه تبلیغ کرد و نظر مردم را به سوی آن جلب نمود.

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

به راه پروردگارت دعوت کن با دانش استوار و پند و اندرز نیکو و با آنان به شیوه ای نیکو بحث کن

پیام :

.....

آثار مثبت و منفی تمدن جدید در حوزه عدل و قسط

آثار مثبت :

۱) توجه به قانون :

پس از گذر از قرون وسطی و شکل گیری دوره جدید، توجه گسترده ای در کشورهای اروپایی به حقوق، قانون ساختار حکومت و دولت پدید آمد که عموماً عکس العملی در برابر حاکمیت نا مطلوب کلیسا در قرون وسطی بود. آگاهی به قانون و حقوق که ابتدا با ترجمه آثار اسلامی اتفاق افتاد فوایدی برای تمدن جدید داشت.

* مردم با حقوق خود در مقابل دولت ها و در رابطه با یکدیگر آشنا شدند.

* به تدوین قوانین حقوقی پرداختند.

* برای حفظ آنها سازمانهایی تأسیس کردند.

* حق کارگر، حق کودک، حق تعلیم و تربیت، حق داشتن شغل، حقوق متقابل زن و مرد و حق مردم در مقابل دولت به رسمیت شناخته شد.

۲) مشارکت مردم در تشکیل حکومت :

حق تعیین سرنوشت و دخالت مردم در امور خود، گام مثبت دیگری بود که در تمدن جدید برداشته شد و باعث شد برخی حکومت های استبدادی و موروثی حاکم بر کشورهای اروپایی از صحنه خارج شوند.

آثار منفی :

۱) ظهور ظلم فراگیر و پدیده استعمار:

تولید انبوه کالا و نیاز به بازار کشورهای دیگر، احتیاج به منابع طبیعی دیگر کشورها و نیز روحیه فزون خواهی حاکمان غربی سبب شد که :

سرمایه داران و قدرتمندان غربی کشورهای دیگر را به خصوص در آسیا و آفریقا هدف قرار دهند و به بهانه استعمار (یعنی آباد کردن). بسیاری از این کشورها را تصرف کنند و ذخایر گران قیمت آنها را از آثار باستانی و کتاب های خطی گرفته تا جواهرات و منابع طبیعی و معدنی به کشور خود ببرند و برای آن ملت ها فقر را بر جا گذارند.

دوره استعمار که دوره غارت علنی ثروت ملتها بود و تا اواخر قرن بیستم ادامه داشت. یکی از سیاه ترین دورانهای زندگی انسان روی کره زمین است. در ابتدای همین دوره میلیون ها آفریقایی از این قاره ربوده شدند و به مالکیت اروپاییان و آمریکایی ها درآمدند و به عنوان برده در مزرعه ها کارخانه ها و معادن به کارهای طاقت فرسا و ادار شدند. تمدن جدید نشان داد که اگر حقوقی برای کودکان و زنان و مردان قائل است، منظورش فقط مردان و زنان و کودکانی هستند که از نژاد آنان باشند. وگرنه زنان و مردان و کودکان سیاه با سرخ پوست برای آنان هیچ اهمیتی ندارد.

با بیداری ملتها مبارزه با استعمارگران نیز از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد. سرانجام دولت های غربی مجبور شدند از استعمار علنی کشورها دست بردارند و حاکمان و نظامیان خود را از این کشورها خارج کنند. اما شیوه دیگری برای تسلط بر این کشورها در پیش گرفتند که استعمار نو نام گرفت. برخی محققان بر این باورند ترونی که در دوره استعمار از کشورهای استعمار زده به کشورهای استعمارگر منتقل شد آن قدر زیاد بود که پایه های اصلی قدرت اقتصادی غرب را به وجود آورد.

۲) افزایش فاصله میان انسانهای فقیر و غنی در جهان :

شکل گیری نظام های سیاسی جدید بر پایه قدرت سرمایه داران و نفع طلبی فزاینده آنان بود. صاحبان سرمایه و صنعت منابع طبیعی اکثر نقاط جهان را به بهایی بسیار اندک خریدند و یا با قدرت نظامی خود تاراج کردند و کالاهای خود را با قیمت هایی بسیار سنگین به مردم همان سرزمین ها فروختند. بدین ترتیب، بخش کوچکی از جهان روز به روز غنی تر شد ولی بخش اعظم آن در فقر و تنگدستی فرو رفت.

مسئولیت ما در حوزه قسط و عدل

۱) مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر :

یکی از رسالت های اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل و گسترش حق و حقیقت بوده است. هر چند که بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق دلشان نرم میشود و مجذوب حقیقت و عدالت می شوند، اما باید هوشیار باشیم که همواره گروهی از اهل باطل هستند که نه تنها زیر بار حق نمی روند، بلکه سد راه حق جویی می شوند. زیرا گسترش عدالت منافع آنها را تهدید می کند. این گروه ها تا همه را تابع خود نکنند و یوغ اسارت بر گردن دیگران نیفکنند. آرام نمی گیرند.

امام خمینی می فرماید :

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند. به گفته قرآن کریم دشمنان هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی دارند مگر اینکه شما را از دبتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست ها، آمریکا و شوروی در تعقیب ما خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند.

بدین ترتیب اگر واقع بینانه نگاه کنیم در می یابیم که دعوت به حق و عدالت را نباید منحصر به صحبت و شعار کنیم بلکه برای تحقق سخن حق باید برنامه ریزی کرد قیام نمود و شرایطی فراهم کرد تا موانع حق و حق پرستی از جامعه خود و جهان زدوده شود؛ این مهم میسر نمی شود مگر با تلاش و پشتکار، جهاد و آمادگی برای شهادت در راه خدا و تحمل همه سختی های این راه که همان راه حق و حقیقت است.

۲) استحکام بخشیدن به نظام اسلامی :

استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور مهم ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. یک کشور ضعیف، به طور طبیعی منزوی می شود و همراه و همدلی در دنیا نمی یابد. استحکام پایه های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر، توسعه عدالت در همه ابعاد تقویت اتحاد ملی انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفه مقدس امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین عوامل استحکام نظام اسلامی است.

آثار منفی تمدن جدید در حوزه خانواده

تمدن جدید با نگاه مادی به انسان به ویژه در حوزه روابط زن و مرد بیشترین آسیب ها را به نهاد خانواده وارد کرده است؛ برخی از آسیب ها عبارت اند از :

۱) فروپاشی نهاد خانواده :

در غرب قدیم مانند همه سرزمینهای دیگر، علاوه بر خانواده هسته ای که مرکب از پدر مادر و فرزندان است خانواده گسترده هم که شامل اقوام و خویشان می شد، نمود فراوان داشت. اما در خلال دو نسل گذشته نه تنها خانواده گسترده متلاشی شد. خانواده هسته ای نیز به تدریج از هم گسیخته گردید. بر این پدیده ها باید این واقعیت را نیز افزود که امروزه شمار فزاینده ای از کودکان در غرب در خانواده ها با خانه هایی بزرگ می شوند که پدر یا مادر در آن حاضر نیست و آن یکی هم که حاضر است چون نمی تواند یک تنه وظیفه پدر و مادر را با هم ایفا کند غالباً از زیر بار مسئولیتی که پدرها و مادرها در خانواده های اصیل برای انتقال دادن ارزشهای اخلاقی به جوانان بر عهده داشته اند. شانه خالی می کند. همین امر باعث شده است که فقط در کشور انگلیس ۹ میلیون نفر تنها زندگی کنند به گونه ای که دولت این کشور ناچار شده وزارت خانه ای به نام وزارت تنهایی ایجاد کند

۲) بی بند و باری جنسی :

امروزه بی بندوباری جنسی آن چنان در غرب رواج یافته است که بسیاری از مردم به این نتیجه رسیده اند که توان اصلاح و مبارزه با آن را ندارند از این رو به ناچار در پی آن برآمده اند که ضوابط و معیارهای اخلاقی را تغییر دهند؛ به عنوان مثال در میان غریبان جدید دیگر هیچ گونه ضابطه و معیار مذهبی یا اخلاقی که منشأ الهی داشته باشد، معنا ندارد.

۳) استفاده ابزاری از زنان :

استفاده ابزاری از زنان برای تبلیغ کالاهای سرمایه داران، تشویق آنان به پوشیدن لباس های نامناسب و تحریک کننده، عادی شدن روابط نامشروع میان زنان و مردان در برخی کشورها و تجارت گسترده زنان به عنوان کالای جنسی روی دیگر تمدن جدید است. اگر لایه ظاهری و سطحی موقعیت زن در دنیای امروز که بسیار زیبا و خوش منظر آراسته شده کنار رود و باطن آن آشکار گردد، خواهیم دید که سود آوری تجارت فحشا در حال ربودن گوی سبقت از تجاری مواد مخدر و اسلحه است.

اگر بعد معنوی و الهی انسان دارای اهمیت و جایگاهی در تمدن جدید بود و اگر به زنان آن گونه که دین اسلام بها می دهد بها و شخصیت داده می شد، حتماً وضع دیگری در تولید فیلم ها، زمان ها، و تصاویر تبلیغاتی حاکم می شد.

مسئولیت ما در حوزه خانواده

* تلاش در جهت تحکیم بنیان خانواده :

خانواده کانون رشد فضیلت ها و محل تربیت نسل های توانمند و با همت است.

تحکیم این بنیان سبب رشد فضائل اخلاقی در جامعه، کاهش فساد و حضور انسان های با فضیلت و کارآمد می گردد.

سست شدن بنیان خانواده سبب می شود فساد گسترش یابد و نسل هایی که از قوت و قدرت روحی کافی برخوردار نیستند مسئولیتهای اجتماعی را بر عهده می گیرند.

وقتی حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل پایه های خانه کعبه را بالا بردند و بنای یک جامعه توحیدی را گذاشتند نه تنها برای خود دعا کردند بلکه از خداوند خواستند ذریه و نوادگانی به آنان عطا کند که ادامه دهنده راه توحید و اسلام باشند.

سوالات درس دهم

۱) اروپا تاکنون شاهد چند تمدن بوده است؟ نام ببرید.

۲) چرا آشنا شدن با نقاط قوت و ضعف تمدن جدید برای ما مطلوب است؟

- ۳) زمینه های پیدایش تمدن جدید را نام ببرید.
- ۴) تمدن قرون وسطی در اروپا، همراه با چه تحولی آغاز شد؟
- ۵) تمدن قرون وسطی همراه با چه تحولی برای اروپا بود؟
- ۶) برخی از اعتقادات نادرست مبلغان مسیحی را بنویسید.
- ۷) مبلغان مسیحی نسبت به بخشش گناهان ، چه اعتقادی داشتند؟
- ۸) آیین ازدواج در مسیحیت به چه شکلی است؟
- ۹) چگونه بهره گیری از تجربیات سایر تمدن ها، زمینه ساز پیدایش تمدن جدید گردید؟
- ۱۰) مونتهگمری وات در خصوص تاثیر پذیری تمدن جدید از تمدن اسلامی چه نظری دارد؟
- ۱۱) نظر ویل دورانت درباره تاثیر تمدن جدید اروپا، از تمدن اسلامی چیست؟
- ۱۲) آثار و پیامدهای مثبت تمدن جدید در حوزه علم را بنویسید.
- ۱۳) چرا دوران جدید را می توان دوران علم نامید؟
- ۱۴) چه چیزی سبب شد انسان توانایی بهره مندی بیشتر از طبیعت را پیدا کند؟
- ۱۵) آثار منفی تمدن جدید در حوزه علم را نام ببرید.
- ۱۶) چه عواملی سبب مصرف زدگی انسان ها شد؟

(۱۷) مهم ترین آسب مصرف زدگی چیست؟

(۱۸) از آثار منفی تمدن جدید در حوزه علم، نابودی طبیعت را توضیح دهید.

(۱۹) علم زدگی، سبب ایجاد چه احساسی در بشر شد؟

(۲۰) ناتوانایی علوم تجربی در پاسخگویی به همه نیاز های انسان، موجب چه امری شد؟

(۲۱) برای احیای تمدن اسلامی و دستیابی به این هدف بزرگ، چه اقداماتی را باید انجام داد؟

(۲۲) عامل مهم در تقویت پایه های استقلال کشور که مانع نفوذ بیگانگان می شود، چیست؟

(۲۳) چرا لازم است پیام اسلام را با همان شیوه پیامبر اکرم(ص) تبلیغ نمود؟

(۲۴) چگونه باید چهره عقلانی اسلام را تبلیغ نمود؟

(۲۵) خداوند در قرآن کریم، چه روش هایی را برای دعوت به اسلام عنوان کرده است؟

(۲۶) آثار مثبت تمدن جدید در حوزه عدل و قسط را نام ببرید.

(۲۷) چگونه در تمدن جدید، توجه به قانون فرگیر شد؟ این امر چه ارمغانی به همراه داشت؟

(۲۸) مشارکت مردم در تشکیل حکومت، ناشی از کدام حق آنان بود؟

(۲۹) آثار منفی تمدن جدید، در حوزه عدل و قسط را نام ببرید.

۳۰) چرا در دوره تمدن جدید، استبداد پدید آمد؟

۳۱) چگونه در تمدن جدید، بین انسان های فقیر و غنی فاصله ایجاد شد؟

۳۲) برای مقابله با آثار منفی تمدن جدید در حوزه عدل و قسط، چه اقداماتی پیشنهاد می شود؟

۳۳) چرا همواره گروهی از اهل باطل، نه تنها زیر بار حق نمی روند، بلکه سد راه حق جویی می شوند؟

۳۵) مهم ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان چیست؟ چگونه این مهم به دست می آید؟

۳۶) آثار منفی تمدن جدید در حوزه خانواده را نام ببرید.

۳۷) در دوره تمدن جدید، چگونه نهاد خانواده از هم پاشیده شد؟

۳۸) تشکیل وزارت تنهایی، ارمان کدام اثر منفی تمدن جدید است؟

۳۹) گسترش بی بند و باری در غرب، مردم آن سرزمین را به چه نتایجی رسانده است؟

۴۰) چگونه در تمدن جدید، از زنان استفاده ابزاری می شود؟

۴۱) تحکیم بنیان خانواده سبب چه امری می شود؟

۴۲) سستی بنیان خانواده، چه پیامدی خواهد داشت؟